

تکوین و دگرگونی شبه‌نظامیان دولتی در ایران (۱۳۲۰-۱۳۳۲): مطالعه موردی «حزب جنگل»

میلاذ حیدری^۱ / کریم سلیمانی^۲

چکیده

شکل‌گیری و فعالیت شبه‌نظامیان دولتی به علت زیربناگذاردن رویه‌های قانونی و یکی از عوامل ایجاد انسداد در روند دموکراتیزاسیون، همواره موضوعی مهم برای درک پیچیدگی رابطه دولت‌ها و ملت‌ها بوده است. در ایران، «حزب جنگل» را می‌توان ذیل چنین سازمان‌هایی صورت‌بندی کرد. هرچند تحقیقات انجام‌گرفته، آن را واکنشی محلی و موقتی در برابر حضور اشغالگران شوروی در مازندران صورت‌بندی کرده‌اند، اما شواهدی از تداوم این سازمان و حضور آنها در کودتای ۲۸ مرداد نشان می‌دهد که باید از این تلقی ساده‌انگارانه فراتر رفت. بنابراین مسئله اصلی این مقاله این است که حزب جنگل، به‌عنوان یکی از سازمان‌های شبه‌نظامی دولتی، تحت کدام شرایط و عوامل بیرونی و درونی تکوین و دگرگونی یافت؟ این تحقیق با استفاده از روش تحقیق تاریخی و ارائه طرحی تفسیری انجام شده است. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که در فضای نیمه‌دموکراتیک پس از جنگ دوم جهانی، برخی از جناح‌های دولت و نخبگان سیاسی، به دلیل هراس از دست‌رفتن منافع خود، با هرگونه ایدئولوژی مخالف و اصلاح‌طلبانه مبارزه می‌کردند و از متنفذین محلی برای این کار بهره می‌بردند که منجر به ظهور شبه‌نظامیان شد. اما وجود برخی نواقص در این سازمان و افزایش تمرکز قدرت در دست جناح‌های مزبور، منجر به ایجاد سازمان جدید و مؤثرتری موسوم به سازمان «کوک» گردید. واژگان کلیدی: حزب توده، شبه‌نظامیان دولتی، سرلشگر ارفع، حاجعلی کیا، حزب جنگل، سازمان کوک.

The Development of State-Sponsored Militias in Iran during 1941 and 1953: A Case Study of the Jungle Party

Milad Heydari³ / Karim Soleymani⁴

Abstract

The formation and further development of state-sponsored militias has always been an important issue in investigation of the complex relationship between states and nations. Such forces have always transgressed some legal bounds and regulations and hampered the process of democratization in any society. In Iran, the Party of Jungle is one of such forces. Many believe that the formation of this party was only a reactionary local response against the Soviet invasion of Mazandaran Province; however their affiliation to the 1953 Iranian Coup d'état their presence cannot vindicate such simplistic reading of their significance in Iran's contemporary history. The present article asks the following research question: Under what national and international set of circumstances did the Party of Jungle, as a state-sponsored militia, develop? For answering the question, the article utilizes the historical research method and an interpretative plan. The findings of the article indicate that in the semi-democratic post-World War II period, some factions of the state and the political elites fought against any ideological and reformist opposition because they feared the loss of their interests. For gaining this objective, they sought help of those local forces that can infiltrate in public and their communities. Eventually, the state alongside the local infiltrators facilitated the emergence of the Party of Jungle. Due to some internal problems of the party and the factional increase of power concentration, a new and more effective organization was formed and was called the KOOK Organization.

Keywords: Tudeh Party of Iran, State-Sponsored Militias, Major-General Arfa, Haj Ali Kiya, The Party of Jungle, KOOK Organization.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ ایران دوره اسلامی دانشگاه شهیدبهشتی (نویسند مسئول). این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری میلاذ حیدری با عنوان «شبه‌نظامیگری دولتی در ایران عصر پهلوی دوم: تکوین و تحول نیروی پایداری» است.

۲. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهیدبهشتی * تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۱ * تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۶/۱۷

3. Ph.D. Candidate of the History of the Islamic Iran, Shahid Beheshti University. E-mail: miladheidari1400@gmail.com

4. Associate Professor. History Department of Shahid Beheshti University. E-mail: soleymanyk@gmail.com

مقدمه

با اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم، گروه‌های متعددی به نام حفظ وطن و مبارزه با اجانب و عوامل داخلی آن به ایجاد تشکیلات روی آوردند. آنها را از نظر انسجام و تداوم می‌توان به دو گروه تقسیم کرد. دسته نخست، گروه‌هایی بودند که در نتیجه احساسات وطن‌خواهانه یا منفعت‌طلبانه شکل گرفتند، اما یا از عنوان خود فراتر نرفتند و یا به صورت موقتی عمل کردند و با فروکش کردن بحران منحل شدند. اما دسته دوم گروه‌هایی بودند که فعالیت آنان به بحران‌های ناشی از جنگ جهانی دوم محدود نشد، بلکه در وقایعی مانند کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ / ۱۹ اوت ۱۹۵۳ نیز شرکت کردند و تا دهه ۱۳۵۰ / ۱۹۷۱ به فعالیت خود ادامه دادند.

نیروهایی مانند گروه تندرو «انجمن» را می‌توان در زمره دسته اول قرار داد که به صورت مخفیانه در زمستان ۱۳۳۲ / ۱۹۴۳ توسط عده‌ای از دانش‌آموزان در تهران تشکیل شد و هدف آن مبارزه با عوامل ایرانی نیروهای اشغالگر بود.^۵ همچنین در تابستان ۱۳۲۴، عده‌ای از تجار و متنفذین تهران به استانداری مراجعه و تقاضا کردند برای حفظ جان و مال و ناموس مردم، تعدادی اسلحه در بین کسانی که قابل اعتمادند توزیع شود.^۶ در آذربایجان نیز جمعیت‌هایی با عنوان میهن‌پرستان سراب، مجمع سلحشوران آذربایجان و هیئت وطن‌خواهان آذربایجان^۷ در واکنش به بحران آذربایجان تشکیل شدند. در بابل حزب فناپذیر ایران، تحت سرپرستی امام‌جمعه و چند تن از اهالی، بر ضد تشکیلات حزب توده شروع به فعالیت کرد.^۸ چنین نیروهای پراکنده‌ای عمدتاً تحت تأثیر احساسات وطن‌خواهانه یا اهدافی از این دست شکل می‌گرفتند و فعالیت آنها تداوم نداشت.

«حزب جنگل» که تاریخ شکل‌گیری رسمی آن را باید سال ۱۳۲۴ / ۱۹۴۵ دانست، در دسته دوم قرار می‌گیرد. این گروه در واکنش به نفوذ حزب توده در نواحی شمال ایران، مانند چالوس و کلارستاق، به وجود آمد. واژه «حزب» در عنوان این سازمان کاملاً صوری بود، چرا که دارای هیچ‌گونه ویژگی حزبی، مانند نشریه و شرایط عضوگیری خاص، نبود. افراد آن با استفاده از اسلحه و چوب و چماق به تخریب کلپ‌ها، ربایش و آزار، اخاذی و در موارد زیادی قتل اعضای حزب توده

۵. اعضای آن کسانی مانند داریوش همایون، علینقی عالیخانی، بیژن فروهر و محسن پزشک‌پور بودند. ن. ک.: حسین دهباشی (به کوشش)، *آیندگان و روندگان، گفتگو با داریوش همایون* (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، ۱۳۹۳)، صص ۱۹-۲۳.

۶. هور، س ۳، ش ۵ (۱۶ مرداد ۱۳۲۴).

۷. نسیم صبا، ش ۹۹ (۱۳ آذر ۱۳۲۴)، ص ۲؛ کانون، ش ۵۸ (۲۴ مهر ۱۳۲۴)، ص ۱؛ همان، ش ۶۲ (۲۹ مهر ۱۳۲۴)، ص ۲.

۸. سازمان اسناد ملی، اسناد نخست‌وزیری، شناسه بازیابی ۱۰۹۰۴۷، شناسه سند ۴۱۶۴۴.

دست می‌زدند.^۹

محققانی به‌صورت پراکنده به بررسی این سازمان پرداخته‌اند، اما در گونه‌بندی و توضیح تداوم آن دچار آشفتگی شده‌اند. رضا آذری شهرضایی، تحت تأثیر نگرش ملی‌گرایانه، این سازمان را از جمله «تشکل‌های مردمی» خودجوش و موقتی در مقابل اشغالگران خارجی و توده‌ای‌ها ارزیابی کرده است.^{۱۰} مصطفی نوری، تحت تأثیر نگرش محلی، تأسیس این سازمان را واکنشی به «سوءرفتار هواداران حزب توده با مالکین آن صفحات» می‌داند و آن را با عباراتی نظیر تشکیلات و قیام مسلحانه توصیف می‌کند.^{۱۱} عزیزالله میار، از سران این سازمان، در خاطراتش از اقدامات قهرمانانه و مشروع خود بر ضد توده‌ای‌ها و روس‌ها در شمال ایران سخن می‌گوید و این سازمان را نوعی «قیام» می‌داند.^{۱۲} محافل ناسیونالیستی، مانند حزب پان‌ایرانیست، افراد این سازمان را «میهن‌پرستان گمنام» می‌خوانند و فعالیت آنان را «نهضت ضداستعماری» با هدف «حفظ تمامیت ارضی ایران» قلمداد می‌کنند.^{۱۳} برخی تحقیقات بی‌طرف نیز به عنوان صوری حزب در این سازمان بسنده کرده و توضیحی خنثا از عملکرد آن ارائه داده‌اند.^{۱۴} منتقدان این سازمان نیز اعضای آن را «اشرار» می‌نامند.^{۱۵} بنابراین، چنین برداشت‌هایی دقیق و راهگشا نیستند و ما را به فهم علل بقای این سازمان نزدیک نمی‌کنند. این رویکردها که «حزب جنگل» را جزء دسته نخست جای می‌دهند،

۹. این اطلاعات از اسناد و عرایض فراوانی به دست آمده که بنا بر مسئله این تحقیق، ارائه مبسوط آن در این جا لزومی ندارد. برای اطلاعات بیشتر ن. ک.: بهروز طیرانی (به کوشش)، *اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۳۰-۱۳۳۰ ش)*، ج ۱ (تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۶)، صص ۴۱۴-۴۷۰؛ علی اصغر یوسفی‌نیا (تدوین و نگارش)، *مشروطه بی‌نقاب: درآمدی بر انقلاب مشروطه، سیاحت‌نامه درویش غریب، خاطرات عزیزالله خان میار: گزیده اسنادی از مرکز اسناد ملی ایران مربوط به حزب توده و حزب جنگل کلارستاق (تهران: آرون، ۱۳۸۸)*، اسناد صص ۳۱۶-۳۳۰. برای نمونه‌ای از اقدامات خشونت‌بار این سازمان می‌توان به درگیری هفتم و هشتم شهریور ۱۳۲۴ میان حزب جنگل و حزب توده اشاره کرد که پنج نفر از افراد توده‌ای کشته شدند. در درگیری بعدی که منجر به افزایش اعضای حزب توده ترمن شد، شانزده نفر از افراد جنگلی کشته شدند (سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۳/۲۰۶۹، سند ۱۲، ۱۳۲۴/۷/۱۵).

۱۰. رضا آذری شهرضایی، «خاطرات محمدکاظم زال‌زر بنیانگذار حزب جنگل چالوس (۱۳۲۱-۱۳۲۵)»، گنجینه اسناد، ش ۱۲ (زمستان ۱۳۷۲)، صص ۵۲-۵۸.

۱۱. مصطفی نوری، *روزگار بی‌قراری: مازندان و گرگان در اشغال ارتش سرخ ۱۳۲۵-۱۳۳۰* (تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۳)، صص ۲۱۲-۲۲۸.

۱۲. یوسفی‌نیا، *مشروطه بی‌نقاب*، ص ۲۱۴.

13. <http://www.pan-iranist.info/9007.html> (accessed Jan 21, 2018).

۱۴. زمانه حسن‌نژاد، مرتضی نورائی و مصطفی پیرمردیان، «بررسی فعالیت احزاب سیاسی در سطح محلی در دوره پهلوی دوم، نمونه موردی مازندان»، گنجینه اسناد، سال بیست و ششم، دفتر دوم (تابستان ۱۳۹۵)، صص ۳۵-۳۶.

۱۵. یوسفی‌نیا، *مشروطه بی‌نقاب*، صص ۳۱۸-۳۱۹، ۳۳۴.

خالی از وجه انتقادی و فهم مکانیسم‌های سازنده آن هستند و عمدتاً آن را محصول کنشگران تلقی می‌کنند، در حالی که این تحقیق با روایتی غیرجانبدارانه نشان می‌دهد چنین سازمان‌هایی محصول ساختارهای غیرقابل مشاهده روابط و مناسبات سیاسی هستند. بنابراین با به کارگیری مفهومی که بتواند سازمان درونی و بیرونی این سازمان‌ها را بهتر نشان دهد، بر چگونگی ساختارها و مکانیسم‌های سازنده در تداوم حزب جنگل تأکید خواهد شد. مسئله‌ای که در آثار فوق نادیده گرفته شده و موجب آشفتگی آنها شده است.

مسئله اصلی این مقاله را می‌توان این‌گونه صورت‌بندی کرد: با توجه به این که دولت پهلوی دوم در دهه ۱۳۲۰-۱۳۳۲ / ۱۹۴۱-۱۹۵۳ در حوزه قدرت سیاسی دچار فراز و فرودهای بسیاری شد (از جمله ظهور و افول حزب توده، قدرت نسبی جامعه مدنی، حکومت‌های مختلف مانند قوام و مصدق)، حزب جنگل، به‌عنوان یکی از سازمان‌های شبه‌نظامی دولتی، تحت کدام شرایط و عوامل بیرونی و درونی تکوین و دگرگونی یافت؟

با توجه به ابهامات ذکرشده در حوزه ادبیات تحقیق، لازم است پیش از پاسخ‌گویی به پرسش «چگونه»، توصیفی از «چیستی» و تحلیلی از «چرایی» این سازمان - به‌عنوان یک قاعده مشاهده‌شده، تجربی و دارای توالی منظم در ساحت سیاسی تاریخ ایران - ارائه گردد. سپس ساختارها و مکانیسم مفروض برای تبیین این پدیده بررسی و با توجه به زمینه تاریخی مورد مطالعه، ابزارهای جدید و مدل‌هایی از مکانیسم مزبور ساخته شود. در بدو کار، حزب جنگل را ذیل مفهوم «شبه‌نظامیان دولتی» گونه‌بندی می‌کنیم، زیرا این مفهوم از منظر تجربی با اعمال و تشکیلات حزب جنگل همخوانی دارد و به لحاظ نظری، امکان پرداختن به ساختارها یا مکانیسم‌ها را در ایجاد این سازمان فراهم می‌کند.

۱. تعریف مفهومی

۱-۱. شبه‌نظامیان دولتی

شبه‌نظامیان دولتی دارای مؤلفه‌های زیر هستند:

(۱) حامی دولت شناخته می‌شوند و از سوی دولت نیز پشتیبانی می‌شوند؛ بنابراین در مقابل چریک‌های شورشی^{۱۶} قرار می‌گیرند. (۲) به‌عنوان بخشی از ساختار نیروهای امنیتی رسمی معرفی نمی‌شوند، بلکه نیروی نامنظم و به‌اصطلاح لباس شخصی محسوب می‌شوند. (۳) مسلح‌اند. این

معیار به سلاح گرم محدود نمی‌شود؛ بعضی گروه‌ها به کارد بزرگ^{۱۷} یا چماق^{۱۸} مجهز می‌شوند و برای اجرای خشونت آمادگی دارند.^{۱۹} (۴) دارای میزانی از تشکیلات و سازمان‌یافتگی‌اند. مثلاً دارای نام، رهبری قابل شناسایی، و یا گرایش فکری مشخص هستند.^{۲۰} به طور کلی، از نظر تعداد نفرات، وسعت عملیات، سطح مهارت، شکل‌گیری، عضوگیری، ارتباط با مردم، استفاده از خشونت و ارتباط با دولت با یکدیگر متفاوت‌اند.^{۲۱}

همان‌گونه که اشاره شد، حمایت دولت از شبه‌نظامیان مهم‌ترین محرک و مشخصه آنهاست. در مورد ایران، مفهوم دولت یکی از مفاهیمی است که همواره در باب حدود و ثغور و تعریف دقیق آن اختلاف نظر بسیاری وجود دارد. از این رو، با توجه به مسئله اصلی این مقاله، تبیین این مفهوم ضروری است.

۲-۱. دولت

مشهورترین تعریف در باب دولت، تعریف وبری آن است. ماکس وبر دولت را دارای حق انحصاری استفاده مشروع از زور تعریف می‌کند،^{۲۲} اما همان‌گونه که بسیاری از محققان در بررسی پدیده شبه‌نظامیان دولتی بدان اشاره کرده‌اند، مسئله این است که بسیاری از دولت‌ها نمی‌توانند یا نمی‌خواهند انحصار خود در زمینه تأمین امنیت را حفظ کنند.^{۲۳} در واقع، الگوی پایداری همکاری بین دولت‌ها و شبه‌نظامیان در زمان جنگ، تئوری‌های متداول و ایده فرایند تکاملی دولت مدرن را که ابزارهای زور را تحکیم می‌کند، بی‌اعتبار می‌سازد و دیگر نمی‌توان در شرایط استفاده دولت از نیروهای نامنظم در مبارزات ضد شورش، از انحصار زور سخن گفت. چون فرض یک بازیگر دولتی

17. machete

18. club

19. Sabine C. Carey, Neil J. Mitchell and Will Lowe, "States, the security sector, and the monopoly of violence: A new database on pro-government militias", *Journal of Peace Research*, Vol, 50, Issue 2, 2013, p. 251.

20. Ibid, pp. 250- 251; Tobias Bohmelt and Govinda Clayton, "Auxiliary Force Structure: Paramilitary Forces and Pro-Government Militias", *Comparative Political Studies*, Vol, 51, Issue 2, 2017, p. 11.

21. Corinna Jentsch, Stathis N. Kalyvas and Livia Isabella Schubiger, "militias in civil wars", *Journal of Conflict Resolution*, 2015, Vol. 59 (5), p. 757.

۲۲. ماکس وبر، دانشمند و سیاستمدار، ترجمه احمد نقیب‌زاده (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۶)، صص ۸۳، ۸۹.

23. Sabine C. Carey and Neil J. Mitchell, "The Monopoly of Violence and the Puzzling Survival of Pro-Government Militias", *Annual Review of Political Science*, Vol. 20, 2017, p. 6; NJ. Mitchell and SC. Carey, "Pro-Government militias and conflict", *Oxford Research Encyclopedia, Politics* (2016), p. 3. <http://politics.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-33> (accessed Apr 14, 2017).

یکپارچه یا دولت وبری، ابتکار دولت‌ها در مبارزه با شورشیان را در نظر نمی‌گیرد، در این جا این تعریف از دولت را نادیده می‌گیریم و تعریفی را به کار می‌بریم که دولت را عرصه‌ای معرفی می‌کند که در آن بازیگران مختلف با منافع و انگیزه‌های بالقوه متفاوت در بازی هستند.

برخی صاحب‌نظران با وام‌گرفتن از ادبیاتی که دولت را واسازی می‌کند، معتقدند دولت‌ها به‌ندرت بازیگران واحدند؛ آنها شامل اجزای بسیاری هستند که از دستورات مختلف پیروی می‌کنند و اغلب در تضاد با یکدیگرند.^{۲۴} طبق این رویکرد، دولت یکپارچگی ندارد، بلکه مجموعه‌ای از بازیگرانی تلقی می‌شود که ممکن است در یک تیم یا در رقابت با یکدیگر بازی کنند، بسته به این که دارای منافع مشترک باشند. نخبگان سیاسی ممکن است توهم یک دولت متحد را ارائه دهند، اما در زمان مواجهه با انگیزه‌ها و اهداف بالقوه جدید این توهم از هم فرو می‌پاشد و متلاشی می‌شود، چرا که برخی از این سیاستمداران جذب انگیزه‌های جدید می‌شوند و برخی دیگر به سیستم سنتی وفادار می‌مانند.^{۲۵} همچنین، دولت در معنای بازیگر واحد و یکه نمی‌تواند مواضع جناح‌های مختلف دولت را که متأثر از سیاست‌های خارجی است به‌خوبی نشان دهد، مثلاً شوروی و انگلیس در ایران طی دوره ۱۳۲۰-۱۳۳۲/۱۹۴۱-۱۹۵۳.

بسیاری از نظریه‌پردازان سیاست ظهور شبه‌نظامیان را در جامعه نشانه ناتوانی دولت در رسیدگی به مسائل اساسی در باب امنیت اجتماعی و انسانی می‌دانند، مسائلی که از ابتدا دولت برای حل و فصل آنها به وجود آمده بود. آنها چنین دولتی را دولت ضعیف یا شکست‌خورده^{۲۶} می‌نامند. برای نمونه، در نیجریه دهه ۱۹۹۰، ناتوانی و ضعف دولت در فراهم کردن امنیت کافی برای شهروندان، منجر به فروپاشی حکومت قانون و افزایش گروه‌های شبه‌نظامی شد. در نتیجه برخی از تجار با همکاری مردم عادی ابتکار عمل را در دست گرفتند و به مبارزه با راهزنان و تنبیه و اعدام مجرمان پرداختند. این گروه‌ها در نظر مردم مشروع و مؤثر تلقی می‌شدند.^{۲۷} همان گونه که نویسنده‌ای اشاره می‌کند، این نظریه که وجود این گروه‌ها به دلیل ساختار ضعیف دولتی است که نمی‌تواند از منافع اجتماعی خود دفاع کند، به چندین دلیل پذیرفته نیست. مفهوم دولت ضعیف به دوگانگی شدید میان

24. William Stanley, *The Protection Racket State: Elite Politics, Military Extortion, and Civil War in El Salvador* (Philadelphia: Temple University Press, 1996), p. 12.

25. Julie Mazzei, *Death Squads or Self-Defense Forces? How Paramilitary Groups Emerge and Challenge Democracy in Latin America*, (Chapel Hill: University of North Carolina Press: 2009), p. 18.

26. failure/ feeble/ fragile State

27. Rebecca Jones, "State failure and extra-legal justice: vigilante groups, civil militias and the rule of law in West Africa", *New Issues in Refugee Research*, Research Paper, No. 166, 2008, pp. 1-2. (<http://www.unhcr.org/afr/research/working/48f351722/> (accessed March 26, 2017)).

دولت‌های ضعیف و قوی اشاره می‌کند که معمولاً واقعیت را منعکس نمی‌کند. دولت‌های مدرن، حتی ضعیف‌ترین آنها، پیچیده‌اند و عملکردهای متکثری انجام می‌دهند. در واقع، دولت برای این که قربانی نباشد، خود اقدام به تشکیل شبه‌نظامیان می‌کند یا با آنها همکاری می‌کند تا موقعیت خود را از طریق استفاده از این نیروها حفظ کند.^{۲۸} از این نظر، استفاده دولت از شبه‌نظامیان یک روش مدیریت سازمانی است.^{۲۹}

در مورد ایران، چنانچه دولت ضعیف بود، فعالیت این شبه‌نظامیان در سال‌های پس از خروج شوروی (۱۳۲۵/۱۹۴۶)، حل‌غائله آذربایجان و ممنوع‌شدن فعالیت حزب توده متوقف می‌شد، اما چنین گروه‌هایی در مقاطع حساس دوباره بازسازی شدند. از سویی دیگر، شبه‌نظامیان دولتی در دولت‌های قوی و صنعتی (مانند هند در دهه ۱۹۸۰)^{۳۰} نیز ظاهر شده‌اند. در سال‌های ۲۵-۱۳۳۰/۴۶-۱۹۴۱، دولت ایران دچار فروپاشی (مانند دوره بعد از جنگ جهانی اول) نشده بود و صرفاً به دلیل اشغال منطقه آذربایجان و مازندران، سلطه مطلق بر آن‌جا نداشت، اما استانداران، به‌عنوان نماینده دولت در این مناطق، هنوز نفوذ تأثیرگذاری داشتند. همچنین، دولت در این دوره ناتوان از اجرای قوانین و برقراری نظم نبود و برگزاری دادگاه‌های منظم برای رسیدگی به عرایض توده‌ای‌ها و مخالفان آنها گواه این ادعاست.^{۳۱} اگرچه شخص شاه هنوز جوان بود و تحت تأثیر انگلیس و روسیه فردی متزلزل به نظر می‌رسید، اما دولت توان مبارزه با هرگونه یاغی‌گری، حتی در مناطق اشغالی شمال کشور، را داشت. برای نمونه، دولت مرکزی موفق شد طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۱/۴۱-۱۹۴۲ راهزنی‌هایی برخی یاغیان منطقه هزارجریب و دودانگه مازندران، مانند تقی دینه‌سری، مسلحان سنگسری و بسیاری دیگر، را به‌سرعت از بین ببرد.^{۳۲}

علاوه بر این، تشکیل جمعیت‌هایی با نام سلحشوران، وطن‌خواهان و میهن‌پرستان با ادعای دفاع از کشور—مانند مورد نیجریه— نشان‌دهنده ضعف دولت نبود، چرا که اینان فعالیت چندانی

28. Campbell, Bruce B. and Arthur D. Brenner (eds), *Death Squads in Global Perspective: Murder with Deniability* (New York: St. Martin's Press, 2000), p. 12.

29. Roudabeh Kishi, "Are Pro-Government Political Militias Evidence of a Strong State? New mapping techniques for conflict data shed new light on existing assumptions", 13 March 2016. (<https://anglejournal.com/article/2015-12-conflict-data-and-policymaking-in-the-era-of-the-sustainable-development-goals>) (accessed Mar 8, 2017).

30. "Paramilitary Forces in Indian Democracy: An Assessment", pp. 252-256. (http://shodhganga.inflibnet.ac.in/bitstream/10603/19032/10/10_chapter5.pdf) (accessed Apr 2, 2018).

۳۱. مصطفی نوری، صص ۱۲۰-۱۳۵. در این کتاب با تکیه بر اسناد و گزارش‌های دست اول، می‌توان درگیری‌های میان حزب توده و حزب وطن و توانایی دستگاه‌های دولتی را در حل و فصل آنها مشاهده کرد.

۳۲. مصطفی نوری، صص ۶۷-۷۶.

نداشتند و دولت فقط به برخی از آنها اجازه عرض اندام می‌داد. بنابراین، در این‌جا منظور از دولت، نه دولت واحد و یکپارچه و ضعیف، بلکه جناح‌های مختلف دولت است که با نزدیکی به منبع قدرت و ثروت، یعنی دربار، سعی در حفظ نظم موجود داشتند.

۲. بسترهای تشکیل حزب جنگل

لازمه تشکیل شبه‌نظامیان دولتی وجود یک دشمن (عمدتاً داخلی) است تا جناح‌های دولت در مقابل آن متحد شوند و علاوه بر این، وجود هسته‌های محلی که میان این دو منافع مشترکی باشد تا به بسیج افراد بپردازند.

۲-۱. جناح‌های مختلف دولت و رقیب قدرتمند داخلی

با فروپاشی رژیم اقتدارگرایی سنتی رضاشاه، جامعه ایران از استبداد شرقی به شکل‌بندی اجتماعی جدیدی متحول شد که در این بستر، مفاهیم آزادی و حقوق جامعه مدنی برجستگی و اهمیت یافتند. در این فضای نو، حزب توده که فعالیت خود را از مهر ۱۳۲۰/ سپتامبر ۱۹۴۱ آغاز کرد، در زمان اشغال ایران توسط ارتش سرخ (شهریور ۱۳۲۰ تا اردیبهشت ۱۳۲۵/ اوت ۱۹۴۱ تا می ۱۹۴۶) تنها نیروی سازمان‌یافته و اپوزیسیون دولت بود؛ دولتی که با شعار «خدا-شاه-میهن» و با عقاید به‌ظاهر ناسیونالیستی درصدد حفظ ساختار خود در برابر ایدئولوژی‌ای بود که شعار مبارزه با دیکتاتوری سر می‌داد و مرام انترناسیونالیستی و چپ داشت. حزب توده به‌عنوان یک جبهه دموکراتیک ملی و نه یک حزب کمونیست کار خود را آغاز کرد. با این همه بر بسیاری از ملاکان، بقایای رده‌های بالای دستگاه اداری رضاشاهی و دیگران آشکار بود که این حزب منافع اقتصادی و سیاسی‌شان را تهدید می‌کند.^{۳۳} شکست ارتش آلمان در جبهه استالینگراد (۱۳ بهمن ۱۳۲۱/ ۲ فوریه ۱۹۴۳) و پیشروی ارتش سرخ و انعقاد کنفرانس تهران (آذر ۱۳۲۲/ نوامبر-دسامبر ۱۹۴۳) توازن قدرت را در داخل ایران به نفع حزب توده تغییر داد. این حزب تحت حمایت شوروی، نفوذ فزاینده‌ای در مناطق مختلف کشور از جمله نواحی صنعتی و کارگری مازندران، مانند راه‌آهن، دخانیات، سییمان و کارخانه‌های نساجی پیدا کرد که تا خروج روس‌ها از ایران ادامه داشت. در این منطقه، فعالیت کارگران مهاجر آذربایجانی برجسته بود. آنان که اغلب پس از تغییر قانون تغییر تابعیت در شوروی

۳۳. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز

عزیزی (تهران: نشرمرکز، ۱۳۹۲)، ص ۱۹۱.

(در اواسط دهه ۱۳۱۰/۱۹۳۰) به ایران بازگشته بودند و به دلیل برخورداری از تخصص‌های فنی، عمدتاً در رأس امور کارخانه‌ها، معادن و راه‌آهن مازندران فعالیت می‌کردند، توانستند پایه‌های حزب را محکم کنند. دموکراتیزه کردن زندگی اجتماعی، محدود کردن دیکتاتوری شاه و خودسری‌های پلیس و ژاندارم‌های منطقه از جمله شعارهای آنان بود.^{۳۴} این حزب از محمودآباد در مرکز مازندران تا رامسر در غرب به مرکزیت چالوس اداره می‌شد. در یکی از میتینگ‌های آنان، بیش از سه هزار نفر از کارگران، دهقانان، کارمندان دولت و پیشه‌وران منطقه مازندران شرکت کرده بودند.^{۳۵} فرماندار توده‌ای نوشهر نمونه‌ای از بسیاری از مسئولین دستگاه بوروکراتیک دولت بود که به این حزب گراییده بودند. یکی از سخنرانان حزب در میتینگ اعلام کرد «ما هرگاه بخواهیم دوایر دولتی را تصرف نماییم، برای ما مثل این آبی است که فعلاً می‌نوشم و لیوان آب را بلند کرده و مشغول نوشیدن آب شد»^{۳۶} و افزود بسیاری از «رفقای ما» داخل ارتش و از افسران آن هستند.^{۳۷} چنین فضایی، فضایی نیمه‌دموکراتیک اما آزردهنده برای دولتی بود که طبق شواهد تاریخی همواره میل به اقتدارگرایی داشت. بنابراین، قدرتمندان حاکم خود را در مواجهه با حزب یا سازمان پرقدرتی دیدند که رقیب سیاسی داخلی آنها محسوب می‌شد. این گروه که خواهان ایجاد برخی تغییرات در نظم موجود بود، از دولت تقاضای نظامی دموکراتیک‌تر یا توزیع مجدد ثروت را (از طریق اصلاح اراضی یا حقوق کارگران) داشت که هر دو مورد باعث تضعیف انحصار نخبگان دولتی می‌شد. به این ترتیب، کارگزاران قدرت ملی و تصمیم‌گیرندگان محلی این گروه مخالف را تهدیدی برای موقعیت و وضعیت خود دیدند. این روند از مسیرهای مهمی بود که به ایجاد شبه‌نظامیان دولتی در ایران منجر شد.

در واکنش به اشغال ایران توسط شوروی که موجب گسترش فعالیت‌های سیاسی حزب توده گردید، برخی اصطلاحات یا عبارات در مطبوعات و جراید برجسته شدند. مطبوعات وابسته به برخی از جناح‌های دولت، عامل گسترش حزب توده را توطئه دشمن و خیانت عوامل داخلی می‌دانستند و شعار مقاومت و دفاع سر می‌دادند. بنابراین به‌منظور آماده‌سازی افکار عمومی برای

۳۴. محمدحسین مهدیان، *برگ‌های خاطرات (نگاهی به روابط ایران و روسیه)* (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸)، ص ۸۵؛ اردشیر آوانسیان، *خاطرات اردشیر آوانسیان از حزب توده ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۶)* (بی‌جا: انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، ۱۳۶۹)، ص ۷۹.

۳۵. کیهان، ۱۷ فروردین ۱۳۲۵، ص ۳؛ مهدی اقبال، *تاریخ چالوس* (مشهد: شاملو، ۱۳۸۹)، صص ۲۵۵-۲۵۶؛ علی‌اصغر یوسفی‌نیا، *تاریخ تنکابن «محال ثلاث»* (تهران: آرون، ۱۳۸۸)، صص ۵۶۰-۵۶۲.

۳۶. سازمان سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۳/۲۰۶۹، سند ۱۴۱.

۳۷. *نجات ایران*، ۲۱ فروردین ۱۳۲۵، ص ۳؛ همان، ۱۸ فروردین ۱۳۲۵، ص ۲.

مقابله با این حزب مفاهیمی به کرات در مطبوعات این دوره دیده می‌شد؛ مفاهیمی مانند استقلال، وطن‌دوستی، تجزیه آذربایجان، اشغال، سربازان ایرانی، میهن‌پرستی، ارادل و اوباش بی‌وطن، کشور داریوش، اراده ملی ایران، ملت صبور و نجیب، شهدای راه آزادی، خون ایرانی، خائنین مزدور بیگانه‌پرست، تحریک دست‌های مرموز، وحدت ملی، حزب ایران بر باد ده توده، حق حاکمیت، ملت آذربایجان، جنگ بین‌المللی، تمامیت ارضی ایران، اجنبی‌پرست، امتحان میهن‌پرستی، ماجراجویان بیگانه‌پرست، خائنین بی‌وطن، پاینده ایران.^{۳۸} به طور کلی، جناح محافظه‌کار دولت در ابتدا با ایدئولوژیک‌سازی مفهوم «مقاومت» و «دفاع» در برابر دشمن، زمینه را برای مشروعیت‌بخشیدن به اعمال سرکوب‌گرایانه خود در قبال رقیب داخلی قدرت فراهم کرد و کار خود را مبارزه با کمونیسم جلوه داد. برای فهم بهتر ارتباط جناح محافظه‌کار نزدیک به دربار و منافع آنان با این مفاهیم باید به تشریح قدرت سیاسی در جناح‌های دولت و سپس تعیین جایگاه مفاهیم ملی‌گرایانه در نظر آنان بپردازیم.

اگر هرم قدرت را متشکل از چهار بخش افقی فرض کنیم، جناح تحتانی در این هرم را نخبگان با گرایش‌های چپ و توده‌ای تشکیل می‌دادند که به‌عنوان نماینده مجلس یا وزیر در برخی از ارکان دولت حضور داشتند و در تلاش برای کسب قدرت حزبی بیشتر بودند.^{۳۹} البته تحت تأثیر نفوذ انگلیس بودند و مالکان، رؤسای قبایل، ارتش و دربار آنان را به خیانت و وطن‌فروشی متهم می‌کردند.^{۴۰} اگرچه دولت شوروی از آنها حمایت می‌کرد، به‌خصوص با فروپاشی فرقه دموکرات (آذر ۱۳۲۵/ دسامبر ۱۹۴۶)، نفوذ سیاسی آنان نیز به قهقرا رفت. آنان از سویی دربار و شاه را مرکز و نماد ارتجاع می‌دانستند^{۴۱} و از سویی با میانه‌روها و افرادی که در جناح طرفداران شوروی نبودند،

۳۸. هور، س ۳، ش ۱۸۲، مرداد ۱۳۲۴؛ نسیم صبا، ش ۲۱-۴۳، شهریور و مهر ۱۳۲۴؛ همان، ش ۷۵-۸۹، آبان ۱۳۲۴؛ کانون، ش ۴۴-۶۹، مهر و آبان ۱۳۲۴.

۳۹. کشاورز، یزدی و اسکندری در رأس وزارتخانه‌های بازرگانی، بهداری و آموزش و پرورش در کابینه قوام قرار گرفتند و معتقد بودند «حزب ما وقتی وارد دولت شد، از راه دولت و دستگاه، در مملکت نفوذ پیدا می‌کند» (ن.ک.: آوانسیان، ص ۷۶).

۴۰. مطبوعات محافظه‌کار و سلطنت‌طلب، اردشیر آوانسیان (نماینده مجلس چهاردهم و عضو فراکسیون حزب توده) را عامل اصلی واقعه ليقوان (کشته‌شدن حاجی احتشام، زمیندار معروف آن‌جا) می‌دانستند و او را «آرداشس بی‌ملیت» می‌نامیدند. کانون در ش ۶۱ (۲۷ مهر ۱۳۲۴، ص ۴) و شماره‌های دیگر انتقادات شدیدی علیه او می‌کند: ش ۶۲، ۲۹ مهر ۱۳۲۴، ص ۴؛ همچنین نسیم صبا، ش ۷۲، ۱۰ آبان ۱۳۲۴، صص ۱، ۳؛ همان، ش ۸۹، ۳۰ آبان ۱۳۲۴، ص ۳. در مورد حملات رؤسای عشایر به حزب توده ن.ک.: انور خامه‌ای، *خاطرات سیاسی* (تهران: نشر گفتار، نشر علم، ۱۳۷۲)، ص ۳۶۸.

۴۱. خامه‌ای، صص ۲۹۷، ۳۶۱؛ آوانسیان، ص ۷۲.

مخالفت می‌کردند.^{۴۲} بنابراین همواره در معرض سیل اتهامات قرار داشتند^{۴۳} و با جناح‌های فوقانی دولت در تخاصم دائمی بودند.^{۴۴}

در جناح میانه‌رو نخبگانی با گرایش‌ات دموکراتیک حضور داشتند که درصدد برقراری حکومت قانون و حذف دست‌های آلوده قدرت و ثروت و دخالت خارجی از سیاست و اقتصاد کشور بودند. مصدق، نماینده مجلس چهاردهم (۱۳۲۲-۱۳۲۴ / ۱۹۴۳-۱۹۴۵)، و حزب ایران در زمره این جناح محسوب می‌شدند. آنها با نظامی‌گری و صاحبان قدرت و ثروت، مانند حاکمان استثمارگر، زمینداران فئودال و خانواده‌های ثروتمند و قدیمی، که آنان را با عنوان «طبقه صاحب امتیاز» خطاب می‌کردند، مخالف بودند.^{۴۵} بعدها، برخی افراد جبهه ملی نیز در این جناح قرار گرفتند. قالب فکری مصدق تلفیقی از ناسیونالیسم لیبرالی و ناسیونالیسم ضداستعماری بود. تعریف وی از مفاهیم آزادی و استقلال گنگ نبود و قصد نداشت آنها را مصادره به مطلوب کند. به اعتقاد او این حق ملت ایران بود که مستقل زندگی کند و جز اراده اکثریت هیچ کس بر آن حکومت نکند.^{۴۶} او با هرگونه مداخله خارجی در امور کشور مخالف بود^{۴۷} و از نظر او میان این ناسیونالیسم و دموکراسی ناسازگاری وجود نداشت.

جناح محافظه‌کار سلطنت‌طلب نزدیک به دربار را نهادهای استثماری قدرت و ثروت، مانند نمایندگان نزدیک به شاه، منتفذهین محلی و احزاب و مطبوعات طرفدار دربار، تشکیل می‌دادند که با میانجی‌های قدرتمند و عمدتاً خودگردان مثل مالکان و رؤسای برخی ایلات ارتباط مؤثری

۴۲. برای مثال، اختلافات حزب توده با جناح لیبرال و میانه‌روها، مانند مصدق، بر سر دادن امتیاز نفت شمال به شوروی و تقاضای امتیاز کافتارادزه، ن.ک.: خامه‌ای، صص ۳۴۴-۳۵۱، ۳۷۰-۳۷۱ (خامه‌ای یکی از اشتباهات حزب توده را مخالفت آنها با مصدق در سال‌های ۱۳۲۳-۱۳۲۴ می‌داند).

۴۳. برای نمونه، مقالات تندی از سوی م.ع، عضو سابق حزب توده ایران، بر ضد اردشیر آوانسیان، کامبخش و پیشه‌وری در روزنامه‌های کانون و نسیم صبا منتشر می‌شد: کانون، ش ۶۱، ۲۷ مهر ۱۳۲۴، ص ۳؛ نسیم صبا، ش ۸۷، ۲۸ آبان ۱۳۲۴، ص ۴.

۴۴. درباره مخالفت حزب توده با مصدق، سیدضیاء و هیئت حاکمه و دربار ن.ک.: خامه‌ای، صص ۳۶۶-۳۶۸.

۴۵. پرواند ابراهامیان، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل‌محمدی، محمد ابراهیم فتاحی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷)، صص ۲۳۳-۲۳۴.

۴۶. جلیل بزرگمهر (به کوشش)، دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی (تهران: سپه‌امی انتشار، ۱۳۶۵)، ص ۵۲۳. برای اطلاعات بیشتر درباره حقوق بشر و آزادی‌های فردی و لیبرالیسم سیاسی در اندیشه مصدق و جبهه ملی ن.ک.: محمد ترکمان (به کوشش)، نامه‌های دکتر مصدق، ج ۱ (۱۳۷۴)، ج ۲ (۱۳۷۷) (تهران: هزاران).

۴۷. حسین کی‌استوان، سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱ (تهران: انتشارات روزنامه مظفر، ۱۳۲۹)، صص ۲۶-۲۷.

داشتند و از سوی قدرت‌های خارجی مانند انگلیس و امریکا حمایت می‌شدند.^{۴۸} ارتش عنصر کلیدی این جناح بود. تا زمانی که امکان برخورد‌های مسلحانه منطقه‌ای وجود داشت، نهادهای نظامی با حکومت اقتدارگرا در هم می‌آمیختند تا کثرت‌گرایی و انتقاد را سرکوب کنند. این جناح تا سال ۱۳۳۲/۱۹۵۳ فربه‌تر شد. برخی از کسانی که تا پیش از این در جناح میانه‌روها بودند (مانند بقایی، کاشانی و مکی)، به دلیل اختلاف نظر با مصدق، هراس از برقراری حکومت جمهوری توسط حزب توده و به دلایل منفعت‌طلبانه به این حوزه پیوستند.^{۴۹} این جناح بیشترین ظرفیت را برای ایجاد شبه‌نظامیان داشت. جناح آنان در زمان تصدی حکومت توسط مصدق تحکیم یافت، زیرا سیاست‌های او و جبهه ملی خطری مهلک برای از دست رفتن قدرت و ثروتشان بود.^{۵۰} قالب فکری این گروه ناسیونالیسم محافظه‌کارانه بود و دغدغه اصلی‌شان رعایت حقوق برابر افراد نبود، بلکه در صدد حفظ انسجام جناح و نظم سیاسی موجود از طریق تقویت احساسات میهن‌دوستانه بودند. از این رو بود که آنان در برابر نفوذ حزب توده، مصدق را به بهانه ضعف در برابر این اقلیت ترک یا با او دشمنی کردند.

جناح فوقانی هرم قدرت نیز متعلق به دربار و شاه بود که اگرچه در طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۵/۱۹۴۱-۱۹۴۶ قدرت فائقه و تمام‌کننده نداشت، اما شاه به پشتوانه انگلیسی‌ها و تا حدودی

۴۸. آبراهامیان در اثر خود (صص ۲۱۱-۲۱۲، ۲۱۹-۲۲۲، ۲۳۰، ۲۳۵) این جناح‌های قدرت و ارتباط میان نمایندگان سلطنت طلب را (که در فراکسیون‌هایی مانند اتحاد ملی (در مجلس سیزدهم و چهاردهم) یا میهن و... بودند) با انگلیس، شوروی و امریکا به خوبی بسط داده است. همچنین نقش نهاد ارتش به‌عنوان «منسجم‌ترین سازمان دولت» در حفظ قدرت دربار و نیز ارتباط مطبوعاتی مانند اطلاعات را با این جناح‌ها توضیح داده است.

۴۹. طبق اسناد سفارت امریکا، بقایی فردی «جاه‌طلب» و در پی کسب قدرت سیاسی بود. برای دریافت دلایل جدایی کاشانی، عبدالقدیر آزاد و بقایی از جبهه ملی و وفاداری خلیل ملکی و جلال آل‌احمد به آن. ک. حسین آبادیان، زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶)، صص ۱۷۸-۱۹۰، ۲۴۸-۲۴۹؛ حبیب لاجوردی (به کوشش)، «گفتگو با کریم سنجابی»، جلسه ۱۱، پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد، ج ۱۲ (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا) صص ۱-۵. مکی نیز مانند این دو همواره سودای قدرت داشت (آبادیان، ص ۲۰۶).

۵۰. نخست‌وزیر شدن مصدق در ابتدا موجب شد تا کانون توجه عامه نه مجلس بلکه شخص نخست‌وزیر و خیابان‌ها باشد، چرا که مصدق برای در فشار قراردادن مخالفان به تظاهرات خیابانی متوسل می‌شد. همین موجب اعتراض مطبوعات و افراد سلطنت‌طلب مانند اطلاعات و جمال امامی گردید (آبراهامیان، ص ۳۲۹). جبهه ملی با جلوگیری از نفوذ دربار در انتخابات مجلس شانزدهم، موجب شد همه کرسی‌ها در تهران نصیب این جبهه شود نه جناح وابسته به دربار (همان، ص ۳۳۱). قیام سی‌تیر نیز موجب شد مصدق به تضعیف این جناح بپردازد، مانند بازنشسته کردن افسرانی همچون سپهبد شاهبختی و سرلشکر گرزن که مورد حمایت بریتانیا بودند (آبادیان، ص ۳۴۰). زیرا او با انحلال شرکت نفت ایران و انگلیس، حمایت بریتانیا را نیز به این جناح افزوده بود.

امریکایی‌ها هنوز قادر به تعیین سیاست‌های مهمی در کشور بود.^{۵۱} دربار از دوره رضاشاه با تبلیغ شعار خدا-شاه-میهن در تلاش بود پادشاه و سلطنت پهلوی را، نزد اذهان افکار عمومی، ضامن حفظ امنیت و موجودیت کشور ایران مطرح کند.^{۵۲} این شعار نمایانگر مالکیت بدون چون و چرای شاه بر سرزمین ایران و توجیه استبداد وی بود. «در این تصور از ناسیونالیسم که از آن به ناسیونالیسم سلطنتی نیز تعبیر می‌شود، وطن‌پرستی و احساس ملیت بیشتر در قالب وفاداری به سلطنت معنا می‌یافت تا به کشور. به تعبیر دیگر، علاقه و تعلق ویژه‌ای که به‌عنوان هدف این نوع ناسیونالیسم ترویج می‌شد، در راستای اهداف مقام سلطنت و جایگاه شاه بود.»^{۵۳} بنابراین میهن‌پرستی همان شاه‌پرستی و شاه‌دوستی بود و هر تهدیدی برای سلطنت، خطری برای میهن تلقی و می‌بایست سریعاً دفع می‌شد.

مصدق، نماینده مجلس چهاردهم شورای ملی، که در جناح میانه‌روها قرار داشت، با آگاهی از این که نهادهای استثماری قدرت و ثروت مانع از برقراری حکومت قانونی در کشور می‌شوند، مجلس را لانه‌گاه دزدان می‌دانست و سیاست موازنه منفی را در قبال روس و انگلیس در پیش گرفت. او دلیل وقایع تبریز و تشکیل فرقه دموکرات را نه صرفاً توطئه دشمن خارجی بلکه، از منظر درونی، «انزجار مردم از هیئت حاکمه»^{۵۴} و عدم رعایت حقوق برابر توسط جناح‌های استثماری می‌دانست. وی همچنین با اطلاع از این که جناح‌های فوقانی، در ظاهر مخالف با کمونیسم، در صدد حذف رقبای سیاسی خود هستند، برای رسیدگی به مطالبات اتحادیه‌های کارگری، فرقه دموکرات و احزاب چپ، شکایات آنان را در مجلس قرائت می‌کرد و در صدد بود از طریق تشکیل انجمن‌های ایالتی ولایتی، رسیدگی به عرایض توده‌ای‌ها، اصلاح رفتارهای نامناسب مأمورین دولت با آنها، با مخالفان دولت رفتاری بی‌طرفانه و منصفانه داشته باشد. وی همچنین از نخست‌وزیر درخواست

۵۱. برای نمونه، نهضت جنوب که در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶، توسط ایلات جنوبی و با حمایت انگلیسی‌ها برپا گردید، موجب دخالت شاه در حل بحران و در نتیجه افزایش قدرت شاه و ارتش در برابر حزب توده شد و نشان داد که ارتش هنوز قلمرو انحصاری شاه مانده است و در دست قوام‌السلطنه نیست. ن.ک.: لوئیس فاوست، *ایران و جنگ سرد*، ترجمه کاوه بیات (تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۲۲۷؛ فخرالدین عظیمی، *بحران دموکراسی در ایران*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نوذری (تهران: آسیم، ۱۳۸۷)، صص ۲۸۵-۲۸۳.

۵۲. در خصوص انتقاد مهدیقلی هدایت و عین‌السلطنه سالور از شعار خدا، شاه، میهن و دیکتاتوری نهفته در این شعار ن.ک.: قهرمان میرزا سالور، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار، ج ۱۰ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ص ۷۹۶۹؛ مهدیقلی هدایت (مخبرالسلطنه)، *خاطرات و خطرات* (تهران: زوار، ۱۳۸۵)، ص ۳۹۷.

۵۳. علی‌اشرف نظری، *مدرنیته و هویت سیاسی در ایران* (تهران: میزان، ۱۳۹۰)، ص ۳۳۰.

۵۴. وظیفه، ش ۱۱۵، ۴ دی ۱۳۲۴، ص ۳.

کرد رؤسای فاسد شهرداری و شهربانی از کار برکنار شوند، افرادی مانند هژیر از کابینه خارج شوند، سیدضیاء تبعید و رئیس ستاد ارتش (ارفع) برکنار شود.^{۵۵} از نظر وی اقدامات عشایر شاهسون — که دولت آنها را مسلح می‌کرد — بر ضد دموکرات‌های آذربایجان، برادرکشی است.^{۵۶}

بدیهی است اتخاذ چنین مواضعی از سوی جناح محافظه‌کاران و نزدیکان دربار — که به دلیل هراس از هرگونه رقیب داخلی پرنفوذ، میل به سرکوبی هر مخالفی داشتند — پذیرفته نبود و از مصدق انتظار داشتند در مقابل حزب توده و دموکرات‌های آذربایجان به طور جدی بایستند و «شمشیر شهامت را کشیده و بر سر خائنین بزند.»^{۵۷} در حالی که مصدق از ادبیات ملی‌گرایانه برای تقویت آزادی‌خواهی سود می‌جست، آنان درصدد بودند تا از این مفاهیم برای حذف مخالفان خود سود جویند.

۲-۱-۱. جناح‌های مختلف دولت و تسلیح شبه‌نظامیان

محمد کاظم زال‌زر، از مؤسسان حزب جنگل، اشاره می‌کند که در اواخر سال ۱۳۲۴/۱۹۴۶ برای دریافت اسلحه نزد سیدضیاء رفته و وی با همکاری سرلشگر ارفع، رئیس ستاد ارتش، این گروه را تسلیح کرده است.^{۵۸} حجازی، مدیر روزنامه وظیفه، از کسانی بود که هنگام تحویل گرفتن اسلحه از دولت نیز حضور داشت. او از هواداران سیدضیاء و دربار بود و از عاملین انگلیس به شمار می‌رفت. این گروه همواره به برخورد قهرآمیز با حزب توده و فرقه دموکرات توصیه می‌کردند. لذا با هر فرد یا دسته‌ای که برخلاف نظر آنان موضع‌گیری می‌کرد و تحت نفوذ هیچ یک از دول خارجی نبود، مبارزه می‌کردند.^{۵۹} لازم به ذکر است بخشی از این حوادث سیاسی داخلی را باید متأثر از فضای جنگ سرد دید که به ایجاد موقعیتی ویژه برای استفاده از این گروه‌ها کمک کرد و مشاوره ابرقدرت‌ها، به‌خصوص انگلیس، شکل‌گیری آنها را در موارد بسیاری تحریک کرد.^{۶۰} علاوه بر این، سپهبد حاجعلی کیا نیز به دلیل ارتباط نزدیک با شاه و ارتش توانست از این انحصار و ظرفیت استفاده کند و در تشکیل حزب جنگل اقدامات مؤثری انجام دهد و با استفاده از نفوذ سپهبد رزم‌آرا،

۵۵. وظیفه، ش ۱۱۳، ۲ دی ۱۳۲۴، ص ۴؛ همان، ش ۱۱۶، ۵ دی ۱۳۲۴، ص ۴؛ نسیم صبا، ش ۹۸، ۱۲ آذر ۱۳۲۴، ص ۴.

۵۶. نسیم صبا، ش ۱۰۰، ۱۴ آذر ۱۳۲۴، ص ۴.

۵۷. همان، ش ۷۹۴، ۷ آذر ۱۳۲۴، ص ۴.

۵۸. طبرانی، ص ۴۱۶؛ شهرضایی، صص ۵۴-۵۵.

۵۹. ن.ک.: کاوه بیات، رضا آذری شهرضایی (به کوشش)، روزشمار غائله آذربایجان، ج ۲ (تهران: شیرازه کتاب ما، ۱۳۹۶).

۶۰. عظیمی، ص ۶۹.

در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶، در جهت تسلیح این افراد بکوشد.^{۶۱} دسته دیگر از این جناح، نمایندگان مجلس بودند که خود در زمره زمینداران بزرگ این منطقه جای می‌گرفتند. یمین اسفندیاری، نماینده مردم مازندران در مجلس شورای ملی در دوره‌های سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم، اهل زد و بند بود و با هر که احتمال می‌داد منافی از او حاصل خواهد شد، ارتباط می‌گرفت.^{۶۲} از آن‌جا که مؤسسان این شبه‌نظامیان تلاش کرده‌اند اقدام خود را قیام علیه بی‌دینی نشان دهند، آن را به‌منزله عملی خودجوش برساخته‌اند، در حالی که عدم یکدستی روایات رهبران این گروه در ایجاد این سازمان، خود دال بر این است که چنین عملیاتی از اساس دولتی بوده است. برای نمونه، عزیزالله میار، یکی از رهبران این حزب، در خاطراتش، خود را اولین فردی می‌داند که دست به تشکیل این سازمان زد.^{۶۳} از سوی دیگر، زال‌زر خود و دو نفر دیگر را مؤسس این حزب می‌داند و از میار نامی به میان نمی‌آورد.^{۶۴} در واقع همان‌طور که میچل معتقد است، دولت‌ها انگیزه‌ها و شرایط لازم و ایدئولوژیک یا فشار اجباری را برای ایجاد شبه‌نظامیان مهیا می‌کنند، زیرا منفعت سیاسی در این است که ایجاد شبه‌نظامیان یک ابتکار توده‌ای خودجوش قلمداد شود.^{۶۵} مدارای دولت با این تشکیلات خود به معنای حمایت دولتی بود و دولت را باید مؤسس پنهان این سازمان دانست. گرچه نامه رؤسای این نیروها خطاب به شاه و توضیح اهداف و مرامشان نشان می‌دهد که هنوز ارتباط مستقیم و محکمی میان آنها و جناح دربار برقرار نشده بود،^{۶۶} اما شاه به پاس مبارزه با مخالفان دولت، در سال ۱۳۲۹/۱۹۵۰، از آنان تقدیر کرد و به رؤسای آنان تفنگ برنو و نشان نظامی هدیه داد.^{۶۷}

۶۱ حبیب لاجوردی (به کوشش)، *خاطرات سپهبد حاجعلی کیا*، ج اول (تهران: نشر زیبا، ۱۳۸۱)، ص ۶۳.

۶۲ سپهبد حاجعلی کیا و سازمان کوک، ج ۱ (تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۶)، ص ۸. برای آگاهی از شواهدی از تحریکات یمین اسفندیاری در حزب جنگل ن.ک.: سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۳/۲۰۶۹، سند ۱۲، ۱۳۲۴/۰۷/۱۵؛ یوسفی‌نیا، *مشروطه بی‌نقاب*، ص ۳۲۹.

۶۳ یوسفی‌نیا، *مشروطه بی‌نقاب*، ص ۲۱۴.

۶۴ شهرضایی، صص ۵۲-۵۳.

65. NJ. Mitchell and SC. Carey, "Pro-Government militias and conflict", p. 12.

۶۶ آنان خود را فداییان شاه‌پرست و میهن‌دوست می‌نامیدند و معتقد بودند حزب منفور توده را بیگانگان عهدشکن تشکیل داده و به نشر مرام اشتراکی و تجزیه ایران عزیز مشغول شده‌اند. در واکنش به این خطرات، دولت ایران در منتهای ضعف و ناتوانی و مأمورین دولت مانند سایه هیکلی موهوم و بی‌روح بودند، اما آنان، در مقابل، عملیات خائنین و بیگانگان و بیگانه‌پرستان... قیام خانانه دشمنان ایران برای تجزیه مازندران و گیلان را در هم شکستند. ن.ک.: سازمان اسناد ملی، اسناد نخست وزیری، شناسه بازبایی ۱۰۹۰۶۶، شناسه سند ۲۳۶۰.

۶۷ یوسفی‌نیا، *مشروطه بی‌نقاب*، صص ۲۱۸-۲۱۹.

با قدرت‌گیری جناح‌های دولتی میانه‌رو و چپ، شبه‌نظامیان، به‌صورت موقت، حمایت دولتی را از دست دادند. با روی کار آمدن قوام‌السلطنه در اواخر سال ۱۳۲۴/۱۹۴۵، فصل تازه‌ای در مناسبات داخلی و خارجی گشوده شد. پس از تسلیم‌شدن ژاپن در سپتامبر ۱۹۴۵، جنگ جهانی دوم عملاً به پایان رسید و طبق قرارداد، متفقین می‌بایست تا دوم مارس ۱۹۴۶ (۱۱ اسفند ۱۳۲۴) ایران را به‌صورت کامل تخلیه می‌کردند. قوام براساس سیاستی آشتی‌جویانه با چپ، در اواخر بهمن ۱۳۲۴/فوریه ۱۹۴۵، حکومت نظامی را که برای جلوگیری از فعالیت‌های سیاسی برقرار شده بود، لغو کرد و باشگاه‌های حزب توده و شورای متحده مرکزی را به آنها بازگرداند و از نشریات چپ رفع توقیف کرد.^{۶۸} چنین سیاستی با استقبال جریان‌های چپ مواجه گردید و آنان مجازات ارفع و سیدضیا و خلع سلاح حزب جنگل کلارستاق را از مقامات تقاضا کردند.^{۶۹} قوام نیز سیدضیا و سرلشکر ارفع را به اتهام اقدام علیه حکومت مشروطه و تسلیح مخالفان حزب توده در مازندران بازداشت کرد.^{۷۰} او طی اعلامیه‌ای در اواخر فروردین ۱۳۲۵/آوریل ۱۹۴۶، مهلت کوتاهی به افراد مسلح مازندران داد تا، با اطلاع استاندار مازندران، اسلحه خود را به نزدیک‌ترین پاسگاه ژاندارمری تحویل دهند و در صورت استنکاف، آنها را به اعدام تهدید کرد.^{۷۱}

بنابراین شبه‌نظامیان جنگل توسط یک دولت مرکزی یکپارچه تشکیل نشدند، بلکه جناح‌های مختلف قدرت در داخل دولت در شکل‌گیری آنها دخیل بودند. برخی نخبگان کلیدی ممکن است به استخدام شبه‌نظامیان یا مسلح کردن برخی گروه‌ها اقدام کنند. آنها محافظه‌کاران تندرویی هستند که استدلال می‌کنند مخالفت و اعتراض باید سرکوب شود. از این رو، برای بررسی ایجاد شبه‌نظامیان از سوی برخی جناح‌های دولت، باید در پی فهم مواضع جناح درباری و محافظه‌کار بود که تمایل به حفظ قدرت و ثروت داشتند و سیاست خشونت‌آمیز را در برخورد با مخالفان وضع موجود ترجیح می‌دادند. اما این شرایط، برای ایجاد شبه‌نظامیان کافی نبود و برای تشکیل آنها به هسته‌هایی نیاز بود که در مواجهه با تغییر در نظم موجود، موقعیت خود را از دست‌رفته می‌دیدند.

۶۸. حبیب لاجوردی، *اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران*، ترجمه ضیاء صدقی (تهران: نشر نو، ۱۳۶۹)، ص ۱۰۱.
 ۶۹. سازمان اسناد ملی، *اسناد نخست‌وزیری*، شناسه بازیابی ۱۰۹۰۰۲، شناسه سند ۳۹۶۷۰؛ شناسه بازیابی ۱۰۹۰۰۲، شناسه سند ۳۹۷۳۱.

۷۰. *نجات ایران*، ۷ فروردین ۱۳۲۵، ص ۱؛ داد، ۲۱ فروردین ۱۳۲۵، ص ۱.

۷۱. مهدی داودی، *قوام‌السلطنه* (تهران: خودکار ایران، ۱۳۲۶)، ص ۱۶۹.

۲-۲. ظرفیت‌های محلی و شبکه‌های موجود

همان‌طور که اشاره شد، حزب توده نفوذ فزاینده‌ای در منطقه شمال ایران داشت. در زمان رضاشاه کارخانه‌های گوناگونی از قبیل نساجی، گونی‌بافی و غیره در مازندران تأسیس شد. راه‌آهن این منطقه نیز بر اهمیت آن افزود. بنابراین این ناحیه به یکی از مراکز صنعتی ایران تبدیل شد و اگرچه مانند سایر ایالات مرکزی، صنایع سنگین نداشت، اما همان چند کارخانه، چند هزار کارگر به وجود آورد. شهرهای مهم کارگری شامل شاهی (قائم‌شهر)، بهشهر، چالوس، زیرآب، ساری، بابل و شیرگاه بود.^{۷۲} احسان طبری در خاطرات خود می‌نویسد: «در مازندران وضع بدی جاری بود و اهالی از نام حزب توده می‌ترسیدند و آن را دسته تُرک‌های مهاجر می‌دانستند، زیرا تنها کارگران ترک‌زبان کارخانه‌های شاهی، بهشهر و راه‌آهن مازندران در این حزب بودند.» وی ادعا می‌کند با رفتن او به این منطقه که اهل مازندران و از خاندان‌های شناخته‌شده آن‌جا بود، وضعیت دگرگون شد و جمعی از بازرگانان کوچک، جوانان، کارمندان در شهرهای مختلف این منطقه به حزب توده پیوستند و در همه شهرها باشگاه‌های حزبی دایر شد. فعالیت‌های کارگری و حزبی در این منطقه موجب تغییر مناسبات ارضی، دگرگونی بافت جمعیتی و مناسبات اجتماعی گردید.^{۷۳}

در واکنش به فعالیت‌های چپ‌ها، مالکان در مناطق مختلف برای جلب کشاورزان و کارگران دست به تشکیل اتحادیه‌هایی زدند. در کرمانشاه، مالکان و رؤسای خوانین مشهور این منطقه، مانند خوانین «قبادیان»، در واکنش به نفوذ سازمان جوانان حزب توده و اتحادیه کارگران، «اتحادیه کشاورزان» را بنیان گذاشتند.^{۷۴} در میانه، مالکان با کمک بخشدار این شهر «جمعیت خیریه» را تأسیس کردند و بارها به تخریب اماکن مربوط به حزب توده پرداختند.^{۷۵} عده‌ای از مالکان در آذربایجان، فراکسیونی به نام «آزادی» تشکیل دادند؛ هدفشان این بود که در مقابل حزب توده خود را حفظ کنند. سیاست آنها در مجلس حفظ تعادل و مخالفت با دولت‌هایی بود که همگام با شوروی بودند.^{۷۶}

در اواخر سال ۱۳۳۳/۱۹۴۵، اسدالله رزمجو از متنفذین کلارستاق که در زمان پهلوی اول مدتی

۷۲. آوانسیان، صص ۳۰۱-۳۰۲.

۷۳. محمدعلی شهرستانی (به کوشش و ویرایش)، *از دیدار خویشتن: یادنامه زندگی احسان طبری* (تهران: بازتاب نگار، ۱۳۸۲)،

صص ۱۳۳-۱۳۵.

۷۴. سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۰/۵۱۸۶، ۲۹۰/۰۷/۱۰، ۱۳۲۵/۰۷/۱۰؛ همان، شناسه سند ۲۹۰/۳۰۷۰.

۷۵. همان، شناسه سند ۲۹۳/۲۱۶۸، ۱۳۲۴/۱۲.

۷۶. آوانسیان، ص ۱۶۵.

سمت فرمانداری و مقام دادستانی تنکابین را بر عهده داشت، به واسطه ارتباط نزدیک با دربار، سران کلارستاق و مجموعه‌ای از شخصیت‌های گیل و ایل منطقه را گرد آورد و آنها را به اتحاد دعوت کرد. وی به دلیل جو خاص این منطقه مصلحت دید که محل اجتماع را روستای ایف کلا انتخاب کند. خوانین منطقه کلارستاق و کلاردشت به اسامی زیر دعوت به اتحاد شدند: کاظم‌خان عسکری، ناصرخان یزدانی، عزیزالله‌خان میار، کاظم‌خان زال‌زر، حسین‌خان زال، ملک‌بهرام ملک‌مرزبان، ابراهیم سام و... در این انجمن، رزمجو ضرورت مقابله با سازمان حزب توده و ضرورت دستیابی به قدرت در محل ثلاث را تشریح کرد و به طور رسمی تصمیم دربار و ستاد ارتش را در مسلح کردن خوانین منطقه به اطلاع آنان رساند.^{۷۷} بنابراین، برخلاف اتحادیه ملاکین دیگر، حمایت دولت از این اتحادیه موجب تداوم فعالیت آن و ایجاد شبه‌نظامیان دولتی در پوشش پارتیزان‌های خودجوش گردید.

رهبران حزب جنگل معتقد بودند عده‌ای افراد ناشناس که در کارخانه حریربافی چالوس فعالیت می‌کردند، به نام حزب توده و با اقدامات ظاهری در طرفداری از آزادی، امنیت و آسایش را از آنها سلب کرده و موجب برهم‌خوردن نظم عمومی شده‌اند؛ «اصل مسلم مالکیت را که طبق دین اسلام و قانون اساسی محترم بود» زیر پا گذاشته و زارعین را به «طغیان علیه حکومت مشروطه و تمرد در پرداخت بهره مالکانه و ادار» کرده‌اند. آنان مدعی بودند افراد توده‌ای علیه استقلال و حق حاکمیت ایران اقدام کرده‌اند و «نام مقدس میهن در فرهنگ این دسته قلیل بی‌وطن جز بازیچه معنی دیگری ندارد»؛ «بلی کلارستاقی‌ها خود را اولین قربانی میهن عزیز قرار داده، دست از جان و مال و ناموس کشیده...، جز حفظ استقلال ایران و رفع شر خائنین هدف و آرزوی دیگری ندارند».^{۷۸} از دیگر قدرت‌های محلی و شبکه‌های موجود می‌توان به زمینداران بزرگ غرب مازندران مانند خاندان خلعتبری (مخصوصاً کرم‌الملک و سبحان‌قلی) و مسعودی‌ها اشاره کرد که در ائتلاف با افراد شبه‌نظامی جنگل، به عملیات علیه توده‌ای‌ها می‌پرداختند و افراد خود را وارد این کار می‌کردند.^{۷۹} برای مقابله با ناآرامی‌های داخلی میلیشیاها^{۸۰} مناسب‌تر از ارتش رسمی هستند. در این حالت

۷۷. اقبال، ص ۲۵۹.

۷۸. سازمان اسناد ملی، اسناد نخست وزیری، شناسه بازیابی ۱۰۹۰۶۶، شناسه سند ۲۳۶۰، ۲۲ فروردین ۱۳۲۵.

۷۹. سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۳/۲۰۸۴، سند ۲۳، ۱/۲۱/۱۳۲۵.

۸۰. شبه‌نظامیان (Militias) چنین تعریف می‌شود: گروهی متشکل از «شهروندان عادی و نه سربازان حرفه‌ای و نیز نیرویی

نظامی که بخشی از ارتش منظم محسوب نمی‌شود و در شرایط اضطراری به خدمت فراخوانده می‌شود»:

<http://ahdictionary.com/word/search.html?q='Militia'> (accessed May 27, 2017).

که گروه معترض به وضع موجود و مصمم به تغییر آن با حکومت وارد درگیری می‌شود تا امتیازاتی برای قدرت و نفوذ به دست آورد، واگذاری فرماندهی و کنترل به فرماندهان شبه‌نظامی، این اجازه را به آنها می‌دهد تا تکنیک‌های سرکوب و نظارت را متناسب با محیط اعمال کنند. آنها از نیروهای نظامی منظم و ارتش رسمی کم‌هزینه‌تر و برای نبردهای فرسایشی کارآمدترند. از آنجا که فرماندهان شبه‌نظامی از رهبران محلی هستند، از شرایط فیزیکی و فرهنگی محدوده خود مطلع‌تر هستند^{۸۱} و در گردآوری اطلاعات محلی قابلیت بیشتری دارند. در دوره مورد بحث ما، این نیروها اگرچه به طور خصوصی با برخی نیروهای رسمی ارتباط نزدیکی داشتند، خارج از بدنه امنیتی رسمی شامل ژاندارمری، گارد مرزی، ارتش و شهربانی فعالیت می‌کردند، و با توجه به جنگلی بودن ناحیه عملیاتی، قدرت مانور آنها بهتر بود. به‌کارگیری غیرنظامیان در نقش‌های ضد شورش، همچنین می‌توانست حمایت مردم به نفع شاه را تقویت کند و تلاش اعضای آن در جلوگیری از عضویت غیرنظامیان در جناح رقیب قدرتمند، حزب توده را تضعیف سازد.

چنین سازمان‌هایی برای بسیج و تجهیز ارزان‌تر هستند، زیرا به‌ندرت آموزش رسمی می‌بینند یا سلاح سنگین دریافت می‌کنند. یکی از علل استفاده از آنان، نیازمندی دولت به انکار این است که دولت‌ها در حال شکستن هنجارهای تعیین‌شده هستند. دولت مدرن توسط طیف گسترده‌ای از هنجارهای داخلی و خارجی محدود می‌شود، هنجارهایی که محدودیت‌های دقیقی بر اختیارات دولت اعمال می‌کنند. شهروندان حکومت قانون، پیروی از هنجارهای خاص رفتاری یا رفتار قابل پیش‌بینی را از دولت خود انتظار دارند. دولت‌ها ممکن است به خشونت‌های مخفیانه دست بزنند تا از حساسیت مردم جامعه بکاهند و مشروعیت دولت را حفظ کنند.

۳. تحول حزب جنگل و تأسیس سازمان کوک

سازمان افسران حزب توده در سال ۱۳۲۳/۱۹۴۴ پیش‌بینی کرده بود که وضعیت نیمه‌دموکراتیک حاکم بر کشور، ناشی از ورود ارتش‌های شوروی و انگلستان به ایران است و با توجه به پایان جنگ و خروج ارتش شوروی از کشور، هیئت حاکمه که ماهیتاً غیردموکراتیک است، در جهت به‌دست‌آوردن مواضع از دست‌رفته خود اقدام خواهد کرد.^{۸۲} همین‌طور نیز شد و دربار توانست بعد از

81. Ariel I. Ahram, *Proxy Warriors: The Rise and Fall of State-Sponsored Militias* (California: Stanford University Press, 2011), p. 14.

۸۲. محمدحسین خسروپناه، *سازمان افسران حزب توده/ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳* (تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه، ۱۳۷۷)،

فروپاشی فرقه دموکرات و ترور شاه در ۱۳۲۷/۱۹۴۹ گام‌های اساسی برای تحکیم قدرت بردارد.^{۸۳} در بهار سال ۱۳۲۸/۱۹۴۹ مجلس مؤسسان که انتخابات آن با دخالت‌های دولت همراه بود، تغییراتی در قانون اساسی داد که طبق آن شاه می‌توانست یک یا هر دو مجلس را حداقل دو بار در طول عمر خود منحل کند. از این گذشته شاه توانست قانونی را از مجلس بگذراند که به موجب آن، زمین‌هایی که رضاشاه به طور غیرقانونی غصب کرده بود به بنیادی تحت سرپرستی وی انتقال می‌یافت. این کار دو هدف را برآورده می‌کرد: درآمد شخصی شاه را افزایش می‌داد و او را در تأمین هزینه‌های مالی دخالت‌های سیاسی خود یاری می‌کرد.^{۸۴}

در فاصله فروردین ۱۳۳۰ تا مرداد ۱۳۳۲/۱۹۵۱ تا اوت ۱۹۵۳، به جز چند روز، مصدق نخست‌وزیر بود. اما او تمام دستگاه دولتی را در اختیار نداشت. وی صرفاً رهبر یک جنبش سیاسی دموکراتیک و رئیس یک هیئت دولت مستقل بود و حتی در مساعدترین اوضاع نیز تنها یکی از ارگان‌های دولت را در اختیار داشت. سایر بخش‌های دستگاه‌های دولتی هنوز در دست عمال و نهادهای استبداد بود که برای حفظ منافع خود یا قدرت‌های دیگر علیه نهضت ملی توطئه می‌کردند. ایران آن دوران نمونه‌ای بارز از حاکمیت دوگانه بود که ارکان آن را نیروهای ملی، تحت رهبری مصدق، و قدرت‌های محافظه‌کار و استبدادی و خارجی، تحت رهبری شاه، تشکیل می‌دادند.^{۸۵}

در سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۳۲/۱۹۵۱-۱۹۵۳ از نفوذ جناح دولتی نخبگان چپ‌گرا کاسته شد و با حکومت مصدق، تنها دو جناح قدرتمند دولتی باقی ماند: جناح میان‌روها را حکومت مصدق تشکیل می‌داد که شامل جبهه ملی و افراد بانفوذی مانند کاشانی می‌شد. البته به دلیل اختلافات اساسی با مصدق بر سر قدرت و منافع سیاسی، امکان حرکت برخی از افراد به سمت جناح فوقانی یعنی محافظه‌کار وجود داشت. برای مثال، بقایی که «در کابینه مصدق رسماً مسئولیتی نداشت، ولی پس از مصدق فرد دوم دولت به شمار می‌رفت»^{۸۶}، در اواسط سال ۱۳۳۱/۱۹۵۲ به مخالفت علنی با مصدق پرداخت و به جناح محافظه‌کار دولت نزدیک شد.^{۸۷}

جناح دیگر، جناح دربار و محافظه‌کاران، نیز اتحادی بود از دربار و محافظه‌کاران سنتی، افسران بازنشسته ارتش طرفدار شاه و حامیان پرنفوذ شاه که طرفدار انگلیس و امریکا بودند. «مالکان و تجار

۸۳. عظیمی، صص ۳۰۷-۳۱۳، ۳۲۱-۳۲۲، ۳۷۳-۳۷۸.

۸۴. محمدعلی (همایون) کاتوزیان، ص ۲۰۳.

۸۵. همان، ص ۲۰۹.

۸۶. همان، ص ۲۱۵.

۸۷. آبادیان، صص ۲۴۳-۲۳۱.

بزرگ در گروه محافظه‌کاران در ابتدا از مصدق حمایت نکردند، ولی دولت او را به‌عنوان کم‌ضررترین بدیل موجود تحمل کردند. اما با کاهش قدرت مصدق و بهبود موقعیت شاه و حزب توده به پشتیبانی از شاه برخاستند.^{۸۸} انتخابات مجلس هفدهم شورای ملی (آبان ۱۳۳۰ / نوامبر ۱۹۵۱) نمونه‌ای از کشاکش قدرت میان این دو جناح بود. شاه و نیروهای نظامی تحت فرمانش و اعیان و اشراف در استان‌ها برای انتخاب کاندیداهای مد نظر خود با یکدیگر متحد شدند و کنسول‌خانه‌های انگلیس در شهرهای بزرگ به کانون مبارزات ضد حکومت تبدیل شدند. این انتخابات با اقدامات غیرقانونی شاه و متحدان محافظه‌کارش برگزار شد. هراس از حکومت مصدق موجب اتحاد این جناح شده بود. برای مثال، کلنل کاظم‌خان سیاح در سال ۱۳۳۱ / ۱۹۵۲ تعدادی از جوانان میهن‌خواه را در گروهی به نام «شبکه سیاح» با هدف مبارزه با حکومت مصدق گرد آورد.^{۸۹}

شاه همچنین تلاش داشت بسیاری از شاه‌دوستان را برای مبارزه به نفع خود در روزهای بحرانی بسیج کند.^{۹۰} حزب جنگل الگوی مناسبی از پارتیزان‌هایی بود که می‌توانستند به‌صورت نیروهای خودسر در مواقع اضطراری به یاری دولت بیایند. اما این سازمان دارای برخی نواقص بود. اقدامات و تحرکات برخی جناح‌های دولت در ایجاد این تشکیلات کاملاً فاش گردیده بود و دربار، ارتش و حکومت‌های وقت همواره به خاطر پشتیبانی از آنها مورد انتقاد بودند.^{۹۱} همین عوامل سبب می‌شد کارایی این سازمان—به‌خصوص در زمانی که وضعیت شبه‌دموکراتیک و جامعه مدنی نسبتاً قدرتمند بود—کاهش یابد. به‌ویژه که مصدق بعدها با تصفیه افسران ارتش^{۹۲} ثابت کرد که قادر به تشخیص برخی تحرکات و توطئه‌های داخلی و خارجی است و در مقابل هرگونه عمل غیرقانونی و مخالف با قانون اساسی سکوت نخواهد کرد. لذا ایجاد یک سیستم مخفی، با همان الگوی حزب جنگل، می‌توانست کارآمدی آنها را افزایش دهد و دربار را از اتهامات مبرا سازد.

ضعف دولت‌ها در کنترل میلیشیاها می‌تواند موجب افزایش حملات یک‌جانبه بر ضد شهروندان و فعالیت‌های اضافی دیگر شود.^{۹۳} انتقام‌جویی‌های شخصی، به نام تنبیه مخالفان دولت، موجب

۸۸. آبادیان، ص ۲۱۰.

۸۹. ابراهیم صفایی، *پنجاه خاطره از پنجاه سال* (تهران: جاویدان، ۱۳۷۱)، ص ۱۳۵؛ رحیم زهتاب‌فرد، *غوغای نفت* (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، صص ۳۰۲-۳۰۴.

۹۰. برای نمونه، بعد از کودتا اسراری از حمایت مالی شاه از پارتیزان‌های ذوالفقاری در زمان اشغال آذربایجان فاش شد. ن.ک.:

تهران مصور، ش ۶۴۱ ۲۴ آذر ۱۳۳۴، ص ۷.

۹۱. برای نمونه، ن.ک.: *نجات ایران*، ش ۶۴۲، ۲۰ فروردین ۱۳۲۵، ص ۳.

۹۲. آبادیان، ص ۲۴۰؛ محسن صدر، *خاطرات صدرالاشرف* (تهران: وحید، ۱۳۶۴)، ص ۵۲۵.

بدنام شدن حزب جنگل شده بود. مخالفان محلی آنها را «اشرار» می خواندند، زیرا به سرقت گاو، برنج و وسایل اهالی می پرداختند و اقداماتشان فراتر از دستگیری و جاسوسی مخالفان بود.^{۹۴} همچنین دولت بعد از اتمام بحران آذربایجان و خروج شوروی در سال ۱۳۲۵/۱۹۴۶، در خلع سلاح آنان دچار مشکل شده بود. در زمان نخست‌وزیری قوام، هیئت بازرسی تشکیل شد و او برای شنیدن اظهارات سران حزب، «در محل شاه‌چشمه با آنها ملاقات نمود و نصایح و اندرزهای لازم را به آنها نمود و نامبردگان را دعوت کرد که اگر اسلحه‌ای موجود دارند، تحویل اولیای دولت نمایند.» اما اعضای جنگلی به سختی حاضر به خلع سلاح می شدند^{۹۵} و حتی در برخی مواقع به ژاندارم‌هایی که برای خلع سلاح می رفتند، تیراندازی می کردند.^{۹۶} تا اوایل خرداد ۱۳۲۵/ مه ۱۹۴۶، فقط ۲۳ اسلحه و ۱۴ بمب از افراد حزب جنگل دریافت شد. تخمین زده می شد حدود ۴۰ اسلحه دیگر در دست آنان باشد.^{۹۷} بنابراین ایجاد سازمانی که دست از تحرکات غیرضروری بردارد و مطیع اوامر دولت باشد، می توانست شبه‌نظامیان را به ابزار کارآمدتری برای اهداف سیاسی تبدیل کند.

زمانی که دولتی میلیشیاها را بسیج می کند، کنترل وفاداری آنها نیز مشکل می شود. برخی میلیشیاها پیوند سست و غیررسمی‌ای با حاکم دارند و ممکن است تنها بر پایه شبکه‌های اجتماعی، انگیزه‌های مالی، قومی یا پیوندهای دینی بسیج شوند.^{۹۸} یکی از رؤسای حزب جنگل در خاطرات خود درباره جرقه اولیه تمایل به تشکیل این سازمان می گوید: «با هم مشورت کردیم که چه کنیم تا توده‌ای نشویم. در آن‌جا مرحوم رزمجو گفت اول باید تمامی اهالی کلارستاق و بیلاق و قشلاق را ببینیم، اگر همه با ما موافق بودند، ما توده‌ای نمی شویم. اما اگر موافق نبودند ما هم توده‌ای خواهیم شد.»^{۹۹} تبدیل چنین شبکه‌هایی متشکل از فرصت‌طلبان مردد به پایگاه‌های ثابت‌قدم و مورد اعتماد که به لحاظ عقیدتی و آرمان‌ها پایبندی و همخوانی بیشتری با مافوق خود داشته باشند، و افراد متزلزل را در همان بدو کار شناسایی و حذف کنند، می توانست وفاداری آنها را تا حد زیادی تضمین کند.

علاوه بر این، پس از فروکش کردن تحرکات چریکی و توده‌ای‌ها در نواحی شمالی کشور، دولت

۹۴. یوسفی‌نیا، مشروطه بی‌نقاب، صص ۳۱۸-۳۱۹، ۳۳۴.

۹۵. همان، ص ۲۸۹.

۹۶. سازمان اسناد ملی، شناسه سند ۲۹۳/۲۰۸۴، ۰۱/۲۰/۱۳۲۵، سند ۱۰۳.

۹۷. سازمان اسناد ملی، اسناد نخست‌وزیری، شناسه بازایی ۱۰۹۰۶۶، شناسه سند ۲۳۶۱.

98. Bohmelt and Clayton, p. 6.

۹۹. شهرضایی، ص ۵۲.

از زمان ملی‌شدن صنعت نفت و محبوبیت دکتر مصدق و شخصیت‌های سیاسی هوادار وی، مانند کاشانی، به طور فزاینده‌ای خود را نه تنها در مناطق پیرامونی، بلکه در مرکز، در محاصره پایگاه‌های قدرت رقیب جدید دید. تظاهرات مختلف در پی حمایت از ملی‌شدن نفت در شهرهای مختلف نشان داد دولت برای ایجاد بسیج نباید به مناطق قبلی اکتفا کند و لازمه موفقیت چنین تشکیلاتی فراگیر بودن آن است. تشکیل سازمان مخفی کوک که متشکل از افراد فدایی شاه و مورد اعتماد بود و شعبات آن در سراسر ایران زیر نظر شخص شاه فعالیت می‌کردند، مولود چنین بازنگری‌ای بود. سپهبد حاجعلی کیا در دوره حکومت دکتر مصدق، با درایت نخست‌وزیر، به دلیل سوءاستفاده از مقام خود و ایجاد تشکیلات مخفی از ریاست مرزبانی کشور برکنار شد، اما شاه به او دستور داد تشکیلات مخفی خود را بازسازی کند و بنابراین سازمان کوک به طور رسمی در خرداد ۱۳۳۱/ مه ۱۹۵۲، به فرمان شاهنشاه تأسیس گردید.^{۱۰۰} وجه‌تسمیه این سازمان برگرفته از منطقه «کجور و کلارستاق» بود. بهانه و توجیه تشکیل آن، تصرف خاک «میهن عزیز» توسط اجنبی بود و این بار می‌بایست ایرانیان ساکن در هر منطقه اشغالی، از مرد و زن، پیر و جوان به هر سن و در هر حرفه، به دفاع از وطن بپردازند. لازم بود تحت نظارت دولت، در هر منطقه کمیته‌هایی از افراد شاه‌دوست و نه دارای سوابق چپ و توده‌ای تشکیل شود و «از پیشرفت و تبلیغات سوء احزاب و سازمان‌های مخالف دولت جلوگیری نمایند.»^{۱۰۱} چنین نیروهایی باید آموزش نظامی می‌دیدند تا در مواقع اضطراری به نفع سلطنت وارد عمل شوند. رزمجو که از عمده‌مالکان و بنیانگذاران محلی حزب جنگل بود، رهبر سازمان جوانان کوک شد.^{۱۰۲} افراد «قابل اطمینان» برای رؤسای کمیته‌ها، از میان زمینداران و رؤسای ایلات و عشایر انتخاب می‌شدند، زیرا تجربه «حزب جنگل» به‌خوبی نشان داده بود که برخی از این طبقات در دفاع از منافع اقتصادی خویش، وفادارترین یاران شاهنشاه و فدایی او خواهند بود و با استفاده از ظرفیت‌های محلی و شبکه‌های سازمانی خود، امکان بسیج افراد را در اولین فرصت فراهم خواهند کرد. سرانجام در حوادثی که منجر به کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲/ ۱۹ اوت ۱۹۵۳ گردید، برتری از آن نیروهای انسجام‌یافته شاه‌دوست بود: «وقتی که شاه

۱۰۰. سپهبد حاجعلی کیا و سازمان کوک، ج ۱ (تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۶)، مقدمه، ص پانزده؛ برای اطلاعات بیشتر ن.ک.: کریم سلیمانی، «سازمان کوک و جمعیت فداکاران آذربایجان، براساس اسناد نویافته گارد شاهنشاهی»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، س ۲، ش ۵، پاییز ۱۳۸۹، صص ۱۱۵-۱۴۲. این مقاله که براساس اسناد گارد شاهنشاهی تدوین شده است، فعالیت سازمان کوک را از سال تأسیس آن یعنی خرداد ۱۳۳۱ تا اواسط دهه سی (۱۳۳۵) بررسی می‌کند. تأکید نویسنده بر خاستگاه اجتماعی اعضا و کارکرد این سازمان برای دولت است.

۱۰۱. همان، ج ۱، صص ۵۳-۵۴.

۱۰۲. همان، ج ۱، ص ۷۲.

برگشت، چون من یک سازمانی تشکیل داده بودم، به گوشش رسید که بیشتر کمک‌ها از طرف سازمان کوک شده... بر ضد مصدق... همین‌طور دسته‌دسته از خارج، یعنی از ایالات و ولایات و اینها، رؤسای عشایر، اعیان، رجال، ملاکین فلان می‌آمدند، همه تشکر را از من داشتند به شاه.^{۱۰۳} سازمان کوک تا سال ۱۳۵۲ به فعالیت خود ادامه داد.^{۱۰۴} جدول زیر تحول حزب جنگل به سازمان کوک را همراه با مقایسه عملکرد آنها نشان می‌دهد.

عملکرد	حزب جنگل	سازمان کوک
پشتیبانی دولتی	جناح محافظه‌کار دولت	جناح‌های محافظه‌کار و درباری دولت
تشکیلات اداری	غیررسمی	رسمی
ارتباط با ارتش	ضعیف	قوی
نمایش عملیات	آشکار	مخفی
گستره عملیات	محلی	سراسری
مفهوم دشمن	جناح چپ	هرگونه مخالف
کارکرد	اطلاعاتی، عملیاتی	اطلاعاتی، عملیاتی

جدول ۱. مقایسه عملکرد حزب جنگل و سازمان کوک

نتیجه‌گیری

بحث فوق نشان می‌دهد بین گسترش و استفاده از نیروهای شبه‌نظامی و ماهیت در حال تغییر دولت رابطه‌ای وجود دارد. در طی سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۳۲ / ۱۹۴۱-۱۹۵۳ برخی جناح‌های دولتی که از توسعه فزاینده حزب توده به هراس افتاده بودند، مقابله عملی با آنها را در پیش گرفتند. در شرایطی که از سویی وضعیت نیمه‌دموکراتیک بر جامعه حاکم بود و از سوی دیگر، حزب توده به دولت قدرتمند شوروی متکی بود، دولت این امکان را نداشت که به سهولت دست به سرکوب بزند، بنابراین، تلاش کرد تا از هسته‌های محلی همسو حمایت تسلیحاتی کند و از سوی دیگر در مجازات شبه‌نظامیان جنگل، به دلیل نقض حقوق شهروندی، مسامحه به خرج دهد. این جناح، برخلاف جناح‌های دموکرات دولت، به بهانه ناسیونالیسم که جنبه‌های دموکراتیک آن را نادیده می‌گرفت،

۱۰۳. لاجوردی، خاطرات سپهبد کیا، صص ۳۹، ۱۱۰، ۱۱۷.

۱۰۴. سپهبد حاجعلی کیا و سازمان کوک، ج ۱، ص ۴۷۰.

مخالفان خود را به خیانت به وطن متهم کرد و توانست از حربه نفوذ دشمن خارجی به‌مثابه کلان‌روایتی برای حفظ بسیج افراد در مواقع بحرانی سود جوید. علاوه بر این، برای تشکیل شبه‌نظامیان به هسته‌هایی از افراد هم‌سو با این جناح نیاز بود که توان بسیج افراد محلی را داشته باشند. دولت توانست این نیرو را در میان مالکان و خوانین منطقه چالوس و کلارستاق بیابد که همواره از مخالفان چپ‌ها بودند. نخبگان سیاسی این جناح توانستند با دسترسی به منابع قدرت، مانند ارتش، به این پشتیبانی ادامه دهند. جنگ سرد و تقویت حضور انگلیس در ایران به تقویت جناح محافظه‌کار دولت کمک کرد و به‌رغم تغییرات در قدرت سیاسی این دوره، در نهایت این دربار و جناح حامی آن بود که توانست بر ابزارهای ایجاد زور، مانند ارتش، مسلط شود. شاه در نقش سرسلسله هرم قدرت، خود دست به بازنگری و ترمیم سازمان شبه‌نظامیان جنگل زد و آن را در قالب سازمان مخفی کوچک سازماندهی کرد.

منابع

- آبراهامیان، پرواندا. ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر. ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی، ۱۳۷۷.
- آبادیان، حسین. زندگینامه سیاسی دکتر مظفر بقایی. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶.
- آذری شهرضایی، رضا. «خاطرات محمدکاظم زال‌زیر بنیانگذار حزب جنگل چالوس (۱۳۲۱-۱۳۲۵)». گنجینه اسناد، ش ۱۲، زمستان ۱۳۷۲.
- آوانسیان، اردشیر. خاطرات اردشیر آوانسیان از حزب توده ایران (۱۳۲۰-۱۳۲۶). بی‌جا: انتشارات حزب دموکراتیک مردم ایران، ۱۳۶۹.
- اقبال، مهدی. تاریخ چالوس. مشهد: شاملو، ۱۳۸۹.
- بزرگمهر، جلیل (به کوشش). دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدیدنظر نظامی. تهران: سهامی انتشار، ۱۳۶۵.
- بهروز طیرانی (به کوشش). اسناد احزاب سیاسی ایران (۱۳۳۰-۱۳۳۰). ج ۱. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۶.
- بیات، کاوه. آذری شهرضایی، رضا (به کوشش). روزشمار غائله آذربایجان. ج ۲. تهران: شیرازه کتاب‌ما، ۱۳۹۶.
- ترکمان، محمد (به کوشش). نامه‌های دکتر مصدق. ج ۱ (۱۳۷۴) ج ۲ (۱۳۷۷). تهران: هزاران، ۱۳۳۴.
- تهرانی مصور. ش ۶۴۱، ۲۴ آذر ۱۳۳۴.
- حسن‌نژاد، زمانه. مرتضی نورائی و مصطفی پیرمردیان. «بررسی فعالیت احزاب سیاسی در سطح محلی در دوره پهلوی دوم: نمونه موردی مازندران».
- گنجینه اسناد. س ۲۶، دفتر دوم. تابستان ۱۳۹۵.
- خامه‌ای، انور. خاطرات سیاسی. تهران: نشر گفتار، نشر علم، ۱۳۷۲.

خسروپناه، محمدحسین. سازمان افسران حزب توده ایران ۱۳۲۳-۱۳۳۳. تهران: مؤسسه نشر و پژوهش شیرازه. ۱۳۷۷.

داد. ۲۱ فروردین ۱۳۲۵.

داودی، مهدی. قوام‌السلطنه. تهران: خودکار ایران. ۱۳۲۶.

دهباشی، حسین (به کوشش). آیندگان و روندگان. گفتگو با داریوش همایون. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی. ۱۳۹۳.

زهدابفرد، رحیم. غوغای نفت. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.

سازمان اسناد ملی. اسناد نخست وزیری، شناسه بازایی ۱۰۹۰۰۲. شناسه سند ۳۹۶۷۰.

سازمان اسناد ملی. اسناد نخست وزیری، شناسه بازایی ۱۰۹۰۰۲. شناسه سند ۳۹۷۳۱.

سازمان اسناد ملی. اسناد نخست وزیری، شناسه بازایی ۱۰۹۰۴۷. شناسه سند ۴۱۶۴۴.

سازمان اسناد ملی. اسناد نخست وزیری، شناسه بازایی ۱۰۹۰۶۶. شناسه سند ۲۳۶۰.

سازمان اسناد ملی. شناسه سند ۲۹۰/۳۰۷۰.

سازمان اسناد ملی. شناسه سند ۲۹۰/۵۱۸۶.

سازمان اسناد ملی. شناسه سند ۲۹۳/۲۰۸۴.

سازمان اسناد ملی. شناسه سند ۲۹۳/۲۱۶۸.

سازمان اسناد ملی. شناسه سند ۲۹۳/۲۰۶۹.

سالور، قهرمان میرزا. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. ج ۱۰. تهران: اساطیر. ۱۳۷۴.

سپهبد حاجعلی کیا و سازمان کوک. ج ۱. تهران: وزارت اطلاعات، مرکز بررسی اسناد تاریخی. ۱۳۹۶.

سلیمانی، کریم. «سازمان کوک و جمعیت فداکاران آذربایجان، براساس اسناد نویافته گارد شاهنشاهی».

مطالعات تاریخ فرهنگی. س ۲. ش ۵. پاییز ۱۳۸۹. صص ۱۱۵-۱۴۲.

شهرستانی، محمدعلی (به کوشش و ویرایش). از دیدار خویشتن: یادنامه زندگی احسان طبری. تهران: بازتاب نگار. ۱۳۸۲.

صدر، محسن. خاطرات صدراالاشراف. تهران: وحید. ۱۳۶۴.

صفایی، ابراهیم. پنجاه خاطره از پنجاه سال. تهران: جاویدان. ۱۳۷۱.

عظیمی، فخرالدین. بحران دموکراسی در ایران. ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، بیژن نودری. تهران: آسیم.

۱۳۸۷.

فاوست، لوئیس. ایران و جنگ سرد. ترجمه کاوه بیات. تهران: وزارت امور خارجه. ۱۳۷۳.

کاتوزیان، محمدعلی (همایون). اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی. ترجمه محمدرضا

نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. ۱۳۹۲.

کانون. ش ۵۸. ۲۴ مهر ۱۳۲۴.

— ش ۶۱. ۲۷ مهر ۱۳۲۴.

- _____ ش ۶۹-۴۴ مهر و آبان ۱۳۳۴.
- _____ ش ۶۲ ۲۹ مهر ۱۳۳۴.
- کی‌استوان، حسین. سیاست موازنه منفی در مجلس چهاردهم، ج ۱. تهران: انتشارات روزنامه مظفر. ۱۳۲۹.
- کیهان. ۱۷ فروردین ۱۳۲۵.
- لاجوردی، حبیب. اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران. ترجمه ضیاء صدقی. تهران: نشر نو. ۱۳۶۹.
- _____ (به کوشش). خاطرات سپهبد حاجعلی کیا. چ اول. تهران: نشر زیبا. ۱۳۸۱.
- _____ (به کوشش). «گفتگو با کریم سنجابی». جلسه ۱۱. پروژه تاریخ شفاهی ایران دانشگاه هاروارد. ج ۱۲. بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
- مهدیان، محمدحسین. برگ‌های خاطرات (نگاهی به روابط ایران و روسیه). تهران: وزارت امور خارجه. ۱۳۸۸.
- نجات ایران. ۲۱ فروردین ۱۳۲۵.
- _____ ۱۸ فروردین ۱۳۲۵.
- _____ ۷ فروردین ۱۳۲۵.
- _____ ۲۰ فروردین ۱۳۲۵.
- نسیم صبا. ش ۱۰۰. ۱۴ آذر ۱۳۲۴.
- _____ ش ۱۱۱. ۲۹ آذر ۱۳۲۴.
- _____ ش ۹۴. ۷ آذر ۱۳۲۴.
- _____ ش ۹۸. ۱۲ آذر ۱۳۲۴.
- _____ ش ۹۹. ۱۳ آذر ۱۳۲۴.
- _____ ش ۷۲. ۱۰ آبان ۱۳۲۴.
- _____ ش ۸۹. ۳۰ آبان ۱۳۲۴.
- _____ ش ۲۱-۴۳. شهریور و مهر ۱۳۳۴.
- _____ ش ۷۵-۸۹. آبان ۱۳۲۴.
- _____ ش ۸۷. ۲۸ آبان ۱۳۲۴.
- نظری، علی‌اشرف. مدرنیته و هویت سیاسی در ایران. تهران: میزان. ۱۳۹۰.
- نوری، مصطفی. روزگار بی‌قراری: مازندران و گرگان در اشغال ارتش سرخ ۱۳۲۵-۱۳۲۰. تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران. ۱۳۹۳.
- وبر، ماکس. دانشمند و سیاستمدار. ترجمه احمد نقیب‌زاده. تهران: دانشگاه تهران. ۱۳۷۶.
- _____ ش ۱۱۳. ۲ دی ۱۳۲۴.
- _____ ش ۱۱۵. ۴ دی ۱۳۲۴.
- _____ ش ۱۱۶. ۵ دی ۱۳۲۴.
- هدایت (مخبرالسلطنه)، مهدیقلی. خاطرات و خطرات. تهران: زوار. ۱۳۸۵.
- هور. س ۳. ش ۵. ۱۶ مرداد ۱۳۲۴.

— س ۳. ش ۱۸۲. مرداد ۱۳۲۴.

یوسفی نیا، علی اصغر (تدوین و نگارش). مشروطه بی نقاب: درآمدی بر انقلاب مشروطه، سیاحتنامه درویش
غریب، خاطرات عزیزاله خان میار: گزیده اسنادی از مرکز اسناد ملی ایران مربوط به حزب توده و حزب
جنگل کلارستاق. تهران: آرون. ۱۳۸۸.
_____ تاریخ تنکابن «محال ثلاث». تهران: آرون. ۱۳۸۸.

Ahram, Ariel I. *Proxy Warriors: The Rise and Fall of State-Sponsored Militias*. California: Stanford University Press. 2011.

Bohmelt, Tobias, Clayton, Govinda. "Auxiliary Force Structure: Paramilitary Forces and Pro-Government Militias". *Comparative Political Studies*. Vol. 51. Issue 2. 2017.

Campbell, Bruce B. and Arthur D. Brenner (eds). *Death Squads in Global Perspective: Murder with Deniability*. New York: St. Martin's Press. 2000.

Carey, Sabine C. and Neil J. Mitchell. "The Monopoly of Violence and the Puzzling Survival of Pro-Government Militias". *Annual Review of Political Science*, 20(1). 2017. (<https://static1.squarespace.com/static/54d49799e4b0b97e05e90186/t/56a5e5831a5203313c39dcc8/1453712794730/Carey+and+Mitchell+ARPS+online.pdf>) (accessed May 5, 2017).

Carey, Sabine C, Mitchell, Neil J. and Lowe, Will. "States, the security sector, and the monopoly of violence: A new database on pro-government militias". *Journal of Peace Research*. Vol. 50. Issue 2. 2013.

Jentzsch, Corinna, N. Kalyvas, Stathis and Schubiger, Livia Isabella. "militias in civil wars". *Journal of Conflict Resolution*. Vol. 59 (5). 2015.

Jones, Rebecca. "State failure and extra-legal justice: vigilante groups, civil militias and the rule of law in West Africa". *New Issues in Refugee Research*. Research Paper. No. 166. 2008. (<http://www.unhcr.org/afr/research/working/48f351722/>) (accessed March 26, 2017).

Kishi, Roudabeh. "Are Pro-Government Political Militias Evidence of a Strong State? New mapping techniques for conflict data shed new light on existing assumptions". 13 March 2016. (<https://anglejournal.com/article/2015-12-conflict-data-and-policy-making-in-the-era-of-the-sustainable-development-goals>) (accessed March 8, 2017).

Mazzei, Julie. *Death Squads or Self-Defense Forces? How Paramilitary Groups Emerge and Challenge Democracy in Latin America*. Chapel Hill: University of

North Carolina Press. 2009.

Mitchell, NJ., Carey, SC. "Pro-Government militias and conflict". *Oxford Research Encyclopedia, Politics*. (2016). (<http://politics.oxfordre.com/view/10.1093/acrefore/9780190228637.001.0001/acrefore-9780190228637-e-33>) (accessed Apr 14, 2017).

Stanley, William. *The Protection Racket State: Elite Politics, Military Extortion, and Civil War in El Salvador*. Philadelphia: Temple University Press. 1996.

"Paramilitary Forces in Indian Democracy: An Assessment". http://shodhganga.inflibnet.ac.in/bitstream/10603/19032/10/10_chapter5.pdf (accessed Apr 2, 2018)

<http://www.pan-iranist.info/9007.html> (accessed Jan 21, 2018).

<http://ahdictionary.com/word/search.html?q=Militia> (accessed May 27, 2017).

